

تصویر ابو عبد الرحمن الکردي



خواندن و نوشتن

کردي

به زبان ساده

منتدی اقرأ الثقافی

www.iqra.ahlamontada.com

(رینوووسی کوردی)

کوردی با سینک له سه رفۆلنتیک و
گیروگرفتی نووسینی کوردی

مه تا به رفنی

خواندن و نوشتن کُردی
به زبان ساده

(رینووسی کوردی)

و

کورتە باسیک له سەر فونیتیک و
گیرو گرتی نووسینی کوردی

عه تا به رفی

برفی، عطا، ۱۳۴۰ - ۱۳۸۰.

خواندن و نوشتن کردی به زبان ساده (رینووسی کوردی) و کورته
باسیک له سه ر فونیتیک و گیروگرفتی نووسینی کوردی / عه تا به رفی. --
تهران: نشر احسان، ۱۳۸۶.

ISBN:978-964-595-693-4

۱۲۸ ص.

چاپ دؤم - ۱۳۸۶.

کردی.

کتابنامه: ص. ۹۶ - ۹۷.

۱. کردی -- خودآموز. ۲. زبانهای ایرانی -- گویشها. الف.

عنوان.

ک ۴۹۴

ب ۲۱/۲/۳۲۵۶ PIR

۱۵۴۱۴-۷۷م

کتابخانه ملی ایران

خواندن و نوشتن کردی به زبان ساده (رینووسی کوردی)

مؤلف:	عطا برفی
ناشر:	نشر احسان
نوبت چاپ:	دوم - ۱۳۸۶
چاپخانه:	مهارت
تیراژ:	۳۰۰۰
قیمت:	۱۱۰۰ تومان

◀ فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه - مجتمع فروزنده - شماره ۴۰۶ -

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

◀ فروشگاه شماره ۲: تهران - خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - شماره ۳۳ -

تلفن: ۳۳۹۰۲۷۵۰

صندوق پستی: تهران ۳۸۵ - ۱۱۴۹۵

ISBN:978-964-595-693-4

ژماره‌ی نینونه ته‌واپه تی: ۴-۶۹۳-۵۹۵-۹۶۴-۹۷۸



نتقرا احسان

پیشکەشەبە: باوکم،

کە لە گەل فیربوونی سەرە تا کانی ئەلفوویی فارسی،
نووسینی کوردی فیر کردم.

پیرست^۷

- ۹ سخن ناشر
- ۱۱ پیشگفتار
- ۱۵ الف) همخوان‌ها
- ۱۶ ب) واکه‌ها

بخش اول:

- ۱۷ آشنایی با قواعد املائی کُردی
- ۱۹ الف) صداها و حروف متفاوت با فارسی
- ۱۹ ل («ل» درشت)
- ۲۱ پ («ر» درشت)
- ۲۲ ئ (همزه‌ی ابتدای کلمات)
- ۲۴ ب) واکه‌ها (Vowels)
- ۲۴ واکه‌ی زَبَر (َ)
- ۲۶ واکه‌ی زیر (ِ)
- ۲۹ واکه‌ی (پیش) (ُ)
- ۳۲ واکه‌ی «و» (u)
- ۳۳ واکه‌ی «وو» (ü)
- ۳۴ پ) چند واکه‌ی مشابه

به‌شی دووه‌م:

- رینووسی کوردی ٣٧
- ریبازی نووسینی ئەم نامیلکه‌یه ٤١
- پیتە کانی زمانی کوردی ٤٢
- هه‌ندی ده‌نگ و نیگاری جیی سه‌رنج ٤٣
- پیتە جیاوازه‌کان ٤٥
- هه‌مزه (ئ) ٤٥
- راهینان (١) ٥١
- نیگاری «پ» (P̄) - «ر» ی قه‌له‌و ٥٢
- راهینان (٢) ٥٣
- نیگاری «ل» (L) - لامی قه‌له‌و ٥٤
- راهینان (٣) ٥٥
- نیگاری «ف» ٥٥
- راهینان (٤) ٥٧
- بزوینی «سه‌ر» [ه - سه (a)] ٥٧
- راهینان (٥) ٥٩
- بزوینی «ژیر» / «ی» ی کراوه [e / «ی»] ٦٠
- نموونه‌ی چهند وشه‌یه‌کی کوردی ٦٣
- نموونه‌ی ئەده‌بی ٦٣
- نموونه‌ی چهند زاراوه‌ی کوردی ٦٣
- راهینان (٦) ٦٥

- بزوینگه‌لی «واو» ی کورت - «واو» ی کراوه - «واوی» دریژ ۶۶
- ۱- «واو» ی کراوه [o / «و»] ۶۶
- ۲- «واو» ی کورت [u / «و»] ۶۸
- ۳- «واو» ی دریژ [ü / «وو»] ۶۹
- راهینان (۷) ۷۲
- بزوینگه‌لی («ی» i- و «ا» ä) و کورته بزوین («i») ۷۲
- بزوینی «ی» ۷۴
- کورته بزوین (i) ۷۵
- بزوینی «ا» (ä) ۷۷
- «ته‌زمون» ۷۹
- راهینان (۸) ۷۹
- راهینان (۹) ۸۰
- راهینان (۱۰) ۸۱
- گیره (تشدید) ۸۲
- راهینان (۱۱) ۸۲

به‌شی سیه‌م

- چه‌ند گیروگرفتیک‌ی رینووسی کوردی و هه‌نگاویک به‌ره‌و
 زمانی یه‌کگرتوو ۸۳
- (ده) ی سه‌ره‌تای «کردار» ی «حال» (مضارع) ۸۵
- بزوینی «یا» ی دریژ و دوو «یا» ۸۹
- به‌کار هینانی نیگاری هندی ده‌نگی تایه‌ت به‌زمانی عه‌ره‌بی و نووسینی
 وشه‌ی بیگانه ۹۲

- ۹۵ جیا کردنه وه و پیکه وه نووسینی پیته کان
 ۹۹ وشه ی لیکدراو
 ۱۰۱ هه موو وشه یه ک پیکه وه نه به ستین

پاشکو (۱)

- ۱۰۳ خال دانان
 ۱۰۵ خال
 ۱۰۶ کاما،
 ۱۰۷ کامای خالدار ؛
 ۱۰۸ نیشانه ی سه رسوورمان !
 ۱۰۹ نیشانه ی پرسیار ؟
 ۱۰۹ دووخال :
 ۱۱۰ که وان ()
 ۱۱۱ جووت که وان « »
 ۱۱۱ نیشانه ی شه رحکردن [] یا - -
 ۱۱۲ کومه له خال ...
 ۱۱۳ راهینان (۱۲)
 ۱۱۴ راهینان (۱۳)

پاشکو (۲)

- ۱۱۵ وه لامی راهینان
 ۱۲۱ فه رهه نگوک
 ۱۲۵ سه رچاوه

سخن ناشر

تلاش برای پاسداشت و بزرگداشت فرهنگ هر ملّتی بدون اعتقاد به مهتری یا کهتری دیگر فرهنگها در عین کمک به شادابی و تنوع فرهنگی جوامع کنونی، گامی است برای تعامل و همبستگی با دیگر ملل از راه شناساندن فرهنگ خود به آنان، که ایزد منّان نیز در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی حجرات بر آن صحّه نهاده است و شکی نیست که زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی هر ملت، رکن رکن تحقیق این مهم می‌باشد. و بر همین اساس و با توجه به استقبال چشمگیر خوانندگان از این اثر، چاپ جدید آن در قالبی پیراسته‌تر به مشتاقان زبان کردی عرضه می‌گردد و ناشر بر خود لازم می‌داند که ضمن آرزوی علو درجات و غفران الهی برای نویسنده‌ی دانش دوست آن، که قبل از انتشار دوباره‌ی این اثر رخ در نقاب خاک کشید، مراتب تشکر و امتنان خود را از جناب آقای عطا حواری نسب که با بازبینی کتاب و ارائه‌ی پیشنهادهای ارزنده‌ی خود، نقشی بی‌بدیل در تقویت غنای علمی آن ایفا کردند، اعلام کند و امیدوار است که با توکل به ذات باری و پیشنهادهای سازنده‌ی خوانندگان، بتواند در آینده گام‌های مهم‌تر و بزرگتری در این راه بردارد؛ انشاءالله.

پیشگفتار

در این نوشتار، پاره‌ای قواعد اساسی املا و آیین نگارش زبان کُردی بیان شده است.

نبودِ اثری ساده و جذاب برای جوانان و نوجوانانی که طالب فراگیری خواندن و نوشتن به زبان کُردی هستند، انگیزه‌ای شد برای تحریر این نوشته.

همچنین علی‌رغم هدف اصلی مذکور، بنا به ماهیت خودِ موضوع، ناچار شدیم در حاشیه‌ی مطالب و بخش آخر، برخی مشکلات الفبا و نوشتن به زبان کُردی را مورد اشاره قرار دهیم.

آنچه پیشکش خوانندگان شده است، در واقع مطالبی نیست که برای اولین مرتبه از آن سخن رفته باشد، اما تلاش فراوان ما بر این بوده است که:

الف) با استفاده از مفیدترین دستاوردهای مباحث و جدل‌ها و تحقیقات علمی در خصوص قواعد املائی زبان کُردی، صحیح‌ترین و اساسی‌ترین مطالب و نتایج مشترک میان زبان‌شناسان و محققین این رشته را برگزینیم و به شیوه‌ی خاص خود این مباحث را بیان کرده و در مواردی به صورت مطالبی آموزشی درآوریم. در این نوشتار بیش از همه‌ی منابع

از نوشته‌های «دکتر عبدالرحمن حاجی معروف»، «دکتر یدالله ثمره»، «دکتر علی محمد حق شناس»، «دکتر مکنزی» و استاد «مسعود محمد» استفاده شده است.

ب) با توجه به برخی مشکلات استفاده از الفبای عربی برای نوشتن کُردی، همچنین ناهماهنگی‌ها و اختلاف نظرهایی که (همانند بیشتر زبان‌های زنده‌ی دنیا) در خصوص املاي کُردی وجود دارد، سعی شده بدون افزودن بر این مشکلات؛ آنچه را کم‌ویش مورد قبول همگان است، پیروی کنیم. ضمن رعایت این امر؛ در مواردی نیز نظر خاص خود را مطرح کرده‌ایم...

پ) نه تنها جهت آشنایی غیر کُردزبانان با املاي کُردی، بلکه برای کُردزبانانی که در خواندن و نوشتن کُردی مشکلات اساسی دارند، بخش اول این نوشتار به زبان فارسی نگاشته شده است. در این بخش، به زبانی ساده و مختصر؛ ضروری‌ترین موارد، جهت فراگیری خواندن و نوشتن کُردی تقدیم شده است.

با توجه به برخی برآوردها میان رسم الخط فارسی و کُردی، ممکن است برای عده‌ای این تصور پیش بیاید که خواسته‌ایم املاي کُردی را بر پایه‌ی قواعد املاي فارسی توضیح دهیم و ویژگی‌های زبان کُردی اساس کار ما نبوده است؛ اما با توجه به در نظر گرفتن سطح بسیار پایین خواندن و نوشتن کُردی میان نوجوانان و جوانان کُردزبان، این مقایسه (با تکیه بر ویژگی‌های خاص زبان کُردی) همچون ابزاری در خدمت بیشتر روشن نمودن مطالب، مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین نا آشنا بودن

شخصی که به زبان فارسی تحصیل نموده، به زبان کردی، امری طبیعی است و از همان ابتدا قادر به خواندن متون کردی نمی‌باشد. لذا فارسی نوشتن فصل اول برای این افراد ضروری می‌نماید.

ت) آموزش مباحث دستوری، به شکل انتزاعی؛ معمولاً غیرمفید، کم‌تأثیر و کم‌جاذبه بوده و تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، تا حدود زیادی ناموفق بوده‌اند؛ در بخش کُردی، کوشش شده تا با آوردن نمونه و مثال از فولکلور و ادبیات... کُردی، از خشک و بی‌روح بودن مطالب دوری‌گزینیم و با پیوند «مباحث دستوری» و ادبیات و فولکلور، دیداری مختصر با این امور نیز داشته باشیم...

ث) با توجه به تفاوت‌های اساسی میان الفبای کُردی لاتین و نشانه‌های فونتیک که تا حدود زیادی بین‌المللی شده‌اند و با عنایت به انس بیشتر خوانندگان مورد خطاب این نوشتار با الفبای انگلیسی (که با علایم آوانگاری (فونتیک) بین‌المللی نزدیکی بسیار دارد)، بیشتر نشانه‌های بین‌المللی را مبنای الفبای فونتیک قرار داده‌ایم.

کوتاهی‌ها را بر ما ببخشاید و در ارتقای این گام کوچک ما را یاری

دهید.

عطا برفی

تذکر:

کوشش گردیده، نکات فنی تر در پاورقی گنجانده شود. تنظیم آوردن این مطالب طوری است که عدم خواندن پاورقی (برای خواندگانی که این مباحث موجب ملال آنهاست)، لطمه به بنیان مباحث نزند؛ همچنین چون مطالب بخش فارسی، عمدتاً در بخش کردی می‌شود، خواندگانی که با خواندن و نوشتن کردی آشنایی نسبی دارند، می‌توانند بخش فارسی را مطالعه نکنند.

الفبای فونتیکی که در این نوشتار به کار رفته است:

الف) همخوان‌ها

فونتیک	فارسی	کُردی
ɫ	—	ئ
b	ب	ب
p	پ	پ
t	ت	ت
j	ج	ج
ç	چ	چ
ħ	ح	ح
x	خ	خ
d	د	د
r	ر	ر
ř	—	ړ
z	ز	ز
ž	ژ	ژ
s	س	س
š	ش	ش
ɟ	ع	ع
x	غ	غ
f	ف	ف
v	—	ڤا
q	ق	ق
k	ک	ک
g	گ	گ
L	ل	ل
Ļ	—	لّ
m	م	م
n	ن	ن
w	و	و
y	ی	ی

ب) واژه‌ها

فونتیک	فارسی	کُردی
a	زَبَر (اَ)	(ه ه)
e	نزدیک به «زیر» (اِ)	ی
o	نزدیک به «پیش» (اِء)	ۆ
u	—	و
ü	و	وو
ï	ی	ی
ä	ا	ا
i	—	—

بخش اول

آشنایی با قواعد املاي كُردی

الف) صداها و حروف متفاوت با فارسی:

صداهایی در زبان کُردی وجود دارند که یا در زبان فارسی همسان آن‌ها موجود نیست و یا علی‌رغم وجود صدایی مشترک، شکل (حرف) خاصی (در زبان فارسی) برای آن منظور نشده است. همخوان^(۱)‌های ویژه‌ی زبان کُردی عبارتند از:

لّ («ل» درشت)

در زبان کُردی، دو صدای «ل» وجود دارد: یکی همان همخوان «ل» فارسی (L) است که هنگام تلفظ آن؛ سطح بالای (جلوی) زبان، مستقیم به کام می‌چسبد و هوا از طرفین زبان به بیرون رانده می‌شود.^(۲) صدای دیگر (L̥) یا «لام درشت» (لّ) است، که در فارسی تلفظ نمی‌شود. برای تلفظ آن نوک زبان مقداری به طرف عقب برگشته و مستقیماً به سقف

۱ - صامت / Consonant

۲ - در خانه‌بندی فونتیک، این صدا جزو صداهای کناری / دهانی - لثوی / روان شناخته می‌شود. هنگام تلفظ این صدا، تورفتگی مختصری در مرکز زبان به وجود می‌آید. [این توضیح اینجا ضروری است که به دلیل فرعی بودن «فونتیک» در این نوشتار، صرفاً به حسب ضرورت، گوشه‌هایی از ویژگی‌های آوایی صداها مورد اشاره قرار گرفته‌اند.]

کام می‌چسبد و هوا از طرفین زبان به بیرون رانده می‌شود. هنگام تلفظ این صدا، برخلاف صدای (L) برآمدگی مختصری در مرکز زبان به وجود می‌آید. «ل» بم‌تر از «ل» [و مقداری عقب‌تر از واجگاه (محل تولید صدای «ل»)] تلفظ می‌شود. (۱) تلفظ این صدا شبیه به صدای (LL) در زبان انگلیسی [(در واژه‌هایی مانند (ALL) یا (L) دوم واژه‌ی (Little)] است. این صدا در زبان کُردی، همانند تلفظ صدای (l) در کلمه‌ی (الله) توسط عرب‌زبان‌ها تلفظ می‌گردد؛ در کلمات زیر «ل» اول کلمات، همچون «ل» فارسی (و «ل» خفیف کُردی) و «ل» واژه‌ی «الله» همانند «ل» درشت کُردی، تلفظ می‌شود:

رسول الله، لطف الله، کلیم الله ...

چند نمونه از کلماتی کُردی، که در آن‌ها صدای (l̃ / l̄) وجود دارد:

گول	guL	(هم معنی «گُل» فارسی)
دل	diL	(هم معنی «دِل» فارسی)
گَل	giL	(هم معنی «گِل» فارسی)

نمونه‌هایی از کلماتی که در آن‌ها صدای (L / l) وجود دارد:

گول	guL	(هم معنی «جُدامی» فارسی)
شل	šiL	(هم معنی «شُل» فارسی)
مل	miL	(هم معنی «گردن» فارسی)

۱ - این صدا در خانه‌بندی فوتتیک جزو صداهای کناری /کامی /روان است. واجگاه این صدا، قدری عقب‌تر از «ل» خفیف (به طرف حلق) می‌باشد.

ر («ر» درشت)

در زبان کُردی دو صدای «ر» وجود دارد؛ یکی همان همخوان «ر» که در فارسی تلفظ می‌شود [r] («ر» خفیف (r)) و برای تلفظ آن، سطح جلویی نوک زبان، در نزدیکی دندان‌های فوقانی (پشت دو دندان وسط بالا) به کام می‌چسبد، هنگام تلفظ این صدا، فرورفتگی مختصری در قسمت مرکزی زبان به وجود می‌آید. (۱)

صدای دیگری که در کُردی تلفظ شده و شکلی نیز برای آن منظور شده است، «ر» [r̄] درشت است، که برای تلفظ آن سطح بالای نوک زبان به ابتدای نرم‌کام می‌چسبد و در آخر تلفظ به پشت دندان‌های بالایی نزدیک می‌شود. هنگام تلفظ این صدا برآمدگی مختصری در بخش مرکزی زبان پدید می‌آید. (۲)

چند نمونه

گِر (gir) گِهَر (gar) تِهَر (tar) بِرَو (biro)

✽ چون صدای «ر» اول واژه‌های کُردی، «ر» درشت (r̄) است، معمولاً (بیشتر نویسندگان کُردزبان) «ر» اول را بدون نشانه‌ی (v) و به شکل «ر» خفیف می‌نویسند.

۱ - این صدا به لحاظ فونتیکی جزو صداهای غلطان / دهانی / ثوی است.

۲ - این صدا در خانه‌بندی فونتیکی جزو صداهای لُرزشی / کامی است.

نمونه:

ریوار، ریگا، راوچی، راژان، راز، روژ

ف

این نشانه، در زبان کُردی، شکلی است که برای صدایی چون صدای (V) لاتین در نظر گرفته شده است. صدای «ف» در بسیاری واژه‌های فارسی [همانند «و»] واژه‌های اوّل و دوم] تلفظ می‌شود، ولی در رسم الخط فارسی، شکل و نشانه‌ی خاصی برای آن منظور نشده است. (۱)

نمونه:

تافگه (به معنی آبشار) (tävga) بزاف (به معنی جنبش) (bizäv)

ئ (همزه‌ی ابتدای کلمات)

صدای «ئ» (همزه‌ی ابتدای کلمات) در زبان فارسی نیز تلفظ می‌شود، ولی نوشته نمی‌شود. (۲)

همان طوری که در واژه‌های زیر می‌بینیم، (آ) و (ا) و (ا) و ... شامل دو صدا می‌باشد:

۱- برای تلفظ این صدا، دندان‌های بالایی روی لب پایین قرار می‌گیرند و صدا به صورت «سایشی» به تلفظ درمی‌آید، در خانه‌بندی فونتیک جزو صداهای لب‌دندانی /واکدار/سایشی می‌باشد.

۲- این صدا در خانه‌بندی فونتیک جزو صداهای چاکنایی /انفجاری/دهانی است.

آبان (zäbän) [ئ + ا + بان]

إنسان (zänsän) [ئ + — نسان]

أنار (zänär) [ئ + — نار]

این صدا در رسم الخط كُردی به صورت زیر نگاشته می شود:

ئابان (آبان) - ئارام (آرام) - ئهرك (آرك) - ئینسان (انسان)^(۱)

۱ - واژه‌ی «انسان» (هم‌معنی مَرُوف كُردی)، ئینسان (اینسان) تلفظ می‌شود و نمونه‌ی فوق صرفاً جهت برآورد چگونگی نگارش کسره‌ی فارسی (با حفظ تلفظ خاص خود) آورده شده و طبیعتاً به واسطه‌ی تفاوت‌های فونتیکی زبان‌های كُردی و فارسی؛ این دو صدا منطبق نبوده و قابل برآورد کامل نمی‌باشند.

ب) واکه‌ها (Vowels) :

مهم‌ترین تفاوت رسم‌الخط کُردی و فارسی ... و نیز مشکل اساسی فارسی‌زبانان (و کُردزبانانی که به زبان فارسی خوانده‌اند) در خواندن و نوشتن متون کُردی، تفاوت در چگونگی نوشتن «واکه» هاست، که در این بخش به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

واکه‌ی زَبَر (—)

در متون ابتدایی زبان فارسی، این صدا با حرکت (نشانه‌ی) — مشخص می‌شود، ولی در سایر متون فارسی، واژه‌های فتحه‌دار را بدون این نشانه می‌نویسند. در واقع در رسم‌الخط فارسی، برخی واکه‌ها (مانند کسره، فتحه و ضمه) همچون زبان عربی، توسط اعراب^(۱) نشان داده می‌شوند؛ اما در رسم‌الخط کُردی، تمامی واج^(۲)‌هایی که به صدا درمی‌آیند، [چه

1- vowel point.

۲ - واج: phoneme - صدایی است در کلمه، که در صورت جابه‌جایی آن با صدای دیگر؛ معنی کلمه تغییر می‌یابد. برخی صداها اساساً قابل نوشتن نیستند. در لهجه‌های محلی زبان کُردی نیز، صداهایی به زبان می‌آید که فونیم نبوده و نوشته نمی‌شوند. همچنین برخی صداها که در یک زبان خاص «فونیم» هستند، در زبان دیگری نقش

همخوان و چه واكه] توسط حروف، مشخص می شوند. (۱) صدای فته

﴿ فونیم را ندارند؛ مثلاً «غ» كه یكی از واج‌های زبان فارسی است، در كلمات كُردی، نقش واج را ندارد و به جای آن واج «خ» در این زبان اصالت دارد [در كلماتی همچون «باغ»، «داغ» - جابه‌جایی «غ» با «خ»، هیچ تمایز معنایی در كلمات ایجاد نمی‌کند...].

۱- چون در رسم‌الخط كُردی بیشتر صداهایی كه به زبان می‌آید، نوشته می‌شود، چنین تصور می‌شود كه در این زبان، تمامی صداهایی كه در گویش به تلفظ درمی‌آید نوشته می‌شود. برخلاف آنچه كه شایع است، رسم‌الخط زبان كُردی، نه بر پایه‌ی نوشتن همه‌ی صداها؛ بلكه بر اساس نوشتن واج‌ها، یا صداهایی است كه تمایز معنایی در واژه‌ها پدید می‌آورند و در صورت عدم وجود یا تغییر و تعویض آن‌ها، معنی واژه تغییر نمی‌یابد. همچنین برخی صداها یا تلفظ خاص بعضی صداها یا برخی ديفتونگ (diphthong)ها (صداهاي مركب از چند صدا) در گویش‌های منطقه‌ای، نوشته نمی‌شوند و علی‌رغم نبودن يك رسم‌الخط واحد در ادبیات كُردی، می‌توان گفت نظری همگون در خصوص نوشتن این تلفظ‌های خاص محلی، میان نویسندگان كُرد حاکم است. چون تشریح این مطلب در این مبحث نمی‌گنجد، تنها به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

در مناطقی همچون بانه، سلیمانیه و... صدای «د» در برخی واژه‌ها به شکلی عادی تلفظ نمی‌شود و به اصطلاح جویده (یا خورده) می‌شود و صدایی نزدیک به «ی» و گاهی بین «ی» و «همزه / ه» جایگزین آن می‌شود، گاهی به صورت صدایی مابین «گ» و «ن» به زبان می‌آید (گ منگ) و در برخی موارد (صدای «د» در واژه) اصلاً تلفظ نمی‌شود [همانند تبدیل واژه‌ی دیم به بیم، واژه‌ی پی‌بده (پی‌بده) به پی‌به و تلفظ صدای «د» واژه‌ی ماندوو توسط ديفتونگی شبيه به ing آخر واژه‌های انگلیسی (بین «گ» و «ن»)]. نویسندگان این مناطق، آن را به شکل «د» می‌نویسند و احياناً هنگام خواندن، به شیوه‌ی محلی خود تلفظ می‌کنند. صدای «گ» آخر واژه‌ها، نیز در برخی مناطق كُردنشین همانند ing آخر واژه‌های انگلیسی تلفظ می‌شود، ولی در نوشته‌ها آن را با همان شکل «گ» نشان می‌دهند، مانند كلمات: مانگ، ده‌نگ،

در رسم الخط کُردی با شکل (ه - ه) نشان داده می شود:

فونتیک	کُردی	فارسی
bahär	به هار	بهار
sar	سه ر	سَر
kamar	که مه ر	کَمَر
kam	که م	کَم

واکه‌ی زیر (—)

در مورد صدای زیر (کسره) در زبان کُردی، شبهاتی در میان نویسندگان کُرد در ایران وجود دارد. گاه انطباق کامل کسره‌ی فارسی و کُردی باهم از سوی برخی افراد عوض می شود و گاه نظری کاملاً خلاف این ابراز می گردد. واضح است که در مواردی تفاوت‌های فونتیکی میان دو زبان برادر و هم‌ریشه‌ی کُردی و فارسی به صورتی است که انطباق کامل برخی صداها همچون کسره، میان آن‌ها صحیح نیست.

همچنین در زبان عربی گونه‌های جداگانه‌ای از تلفظ کسره وجود

→ ره‌نگ ... نمونه‌ی دیگر، برخی دیفتونگ‌های خاص مناطق محدود است، همانند دیفتونگی که شبیه به صدای «وی» بوده و در تلفظ فکویان، تقریباً صدای «و» آن تلفظ نمی شود: در گویش این مناطق واژه‌ای چون **خوی**، نزدیک به **خی** تلفظ می شود... برای صداها یا دیفتونگ‌های بالا و نظیر آن، از سوی عده‌ای از نویسندگان حروفی پیشنهاد شده است، ولی موفق به قبولاندن نظر خود به دیگران نشده‌اند.

دارد، که با توجه به همجواری جغرافیایی مناطقی کُردنشین با عرب‌زبان‌ها و تأثیرات مختلف گویشی، این شباهت افزایش می‌یابد [مثلاً تلفظ کسره‌ی آخر واژه‌ی «یندهبان» توسط عرب‌زبان‌ها نزدیک به واکه «ی» فارسی و کُردی است، ولی در واژه‌ی «بُعد» تلفظ کسره توسط عرب‌ها، کوتاه‌تر و نزدیک به کسره‌ی فارسی است.]

صدای «زیر» در کُردی، با شکل (یَ / یِ / یِ) نشان داده می‌شود. تلفظ این صدا در کُردی، بسیار نزدیک به زیرفارسی است.^(۱) اینک چگونگی نوشتن چند واژه‌ی فارسی، کُردی و یا مشترک بین دو زبان را

۱ - استاد ملک‌الشعراى بهار می‌گوید: «... «یا»ها و «واو»های مجهول، باقیمانده‌ی حروف مصوته‌ی اوستایی است... هم امروز در خراسان و افغانستان روز را رُز و دیر را دِر و خروس را خُرس و فروخت و سوخت را فُرخت و سُخت و قس علیهذا، تلفظ می‌کنند... اکراد آریایی نژاد به سببی که بر ما پنهان است حروف ویژه‌ی عربی را مثل خود عربان از مخرج ادا می‌کنند، در حالتی که بعضی از مخرج‌های قدیم آریایی را که دیگر ایرانیان فراموش کرده‌اند، مانند «خو» و واوهای مجهول و غیره را هم در کمال صحت ادا می‌کنند و این عجیب است...». استاد بهار دو واکه‌ی واو مجهول (o) و یای مجهول (e) را از واکه‌های مجهول در زبان فارسی می‌داند که در زبان کُردی حفظ شده است. همچنین ایشان می‌گویند: «... یاء مجهول یائی است بی‌اشباع (که صدای «ی» یا «کسره» می‌دهد...). مانند یاء اصلی و به همین سبب اساتید یا‌های مجهول را با الف مماله قافیه می‌بسته‌اند...». (ر.ک به سبک‌شناسی، جلد اول، ص ۱۹۳-۱۹۵ و ص ۸۵).

البته ذکر این نکته ضروری است که اگر در برخی لهجه‌های محلی، و یا در اوستا، «یای مجهول فارسی (یِ)» به قول استاد بهار، تلفظ یکسانی با کسره داشته است؛ واکه «یِ / e» کُردی، - با «کسره»ی فارسی، دقیقاً یکی نیست و امتداد صوتی کسره‌ی کُردی از کسره‌ی فارسی بیشتر بوده و دقیقاً معادل هم نیستند.

به رسم الخط کُردی مشخص کرده‌ایم:

فونتیک	کُردی	فارسی
mehrabän	میهره‌بان	مِهْرَبان
behnäm	بیهنام	بِهَنام
hend	هیند	هِنْد

عده‌ای بر این باورند که واکه (ی / ی) فارسی معادل کسره‌ی کُردی است و نمونه‌هایی نیز می‌آورند، همچون تبدیل واژه‌ی «ایران» فارسی، به «ئیران» در زبان کُردی و... در حالی که این امر موضوعی جداگانه بوده و مربوط به چگونگی تغییر فونتیکی واژه‌هایی است که از زبان‌های دیگر وارد زبان کُردی می‌شوند، یا تفاوت تلفظ واژه‌هایی مشترک بین دو زبان؛ و الا اگر بخواهیم واژه‌ی «ایران» را دقیقاً با تلفظ فارسی و با رسم الخط کُردی بنویسیم، باید بنگاریم: «ئیران»... (۱)

۱ - همچنین در تبدیل واژه‌هایی چون بیکس به بیگس و شیوه به شیوه، بیل به بیل، بیگانه به بیگانه... واکه «ی» به واکه دیگری در زبان کُردی تبدیل شده است (ی). این جابه‌جایی صداها، منحصر به واکه‌ها نبوده و در بسیاری از واژه‌های کُردی، همخوان‌ها نیز طبق خصوصیات فونتیکی این زبان، به همخوان‌های دیگری تبدیل می‌شوند؛ مانند: تغییر همخوان «د» به «ز» (دانا → زانا) و تبدیل همخوان «غ» در کلمه‌ی عربی غله به خه‌له، کلمه‌ی ساغ (تُرکی) به ساخ و... .

ذکر این نکته ضروری است که با دقت در واجگاه و موقعیت اندام‌های سازنده‌ی این واکه‌ها، یکی بودن آنها کاملاً مشخص می‌شود: هنگام تولید واکه (ی) فارسی،

البته بر این نکته تأکید می‌کنیم که تلفظ این کسره در زبان کُردی، کشیده‌تر از کسره‌ی فارسی ادا می‌شود، به عبارتی دیگر کشش صوتی آن با صدای زیر فارسی یکی نیست. ولی با وجود کوتاه بودن واکه‌ی کسره‌ی فارسی (e)، در برخی حالات کشش آن حتی از واکه‌ی کشیده‌ی «ی / ī» فارسی نیز بیشتر است؛ چنانکه در دو واژه‌ی سیب [si.b] و چشم [çeʃm] طول هریک از دو واکه‌ی [i] و [e] / ۱۷۰ / ۰ ثانیه است. (۱)

واکه‌ی (پیش) (—^۶)

در زبان عربی، ضمه در مکان‌های مختلف واژه، به شیوه‌های گوناگون تلفظ می‌شود؛ در ابتدا و وسط واژه، تلفظ «پیش» بسیار نزدیک به «پیش» فارسی (o) است، همانند ضمه در واژه‌ی: «قَتیل». ضمه‌ی آخر واژه‌های

بخش جلو زبان به سوی سختکام بالا رفته و در فاصله‌ای حدود نصف فاصله‌ای که برای تولید (ی) کُردی لازم است نسبت به سختکام قرار می‌گیرد؛ به طوری که با کمتر شدن فاصله‌ی زبان با سختکام (به مقدار جزئی) در نتیجه‌ی عبور هوا با سایش به بیرون از دهان، یک همخوان سایشی و نه یک واکه، تلفظ می‌گردد. فاصله‌ی بین دندان‌های بالا و پایین ۲ تا ۳ میلیمتر است، هنگام تلفظ «ی» کُردی این فاصله حدود ۵ میلیمتر است. به اعتبار حجم دهان، واکه‌ی «ی» فارسی «بسته» و واکه‌ی «ی» کُردی «نیمه‌باز» است. هنگام تولید واکه‌ی «ی» فارسی، گوشه‌ی لب‌ها اندکی به طرف عقب (به سوی گوش‌ها) کشیده شده و جدار داخلی آن‌ها به دیواره‌ی خارجی دندان‌های پیشین می‌چسبد و لب‌ها به شکل گسترده درمی‌آیند، در حالی که هنگام تولید واکه‌ی «ی» کُردی لب‌ها در موقعیت نیمه گسترده قرار دارند... (نگاه کنید به: یدالله ثمره، آواشناسی زبان فارسی، ص ۱۰۵ و D.N. Mackenzie, Kurdish dialect studies - صفحه ۱۰).

عربی همانند تلفظ آن در فارسی نبوده و این واکه کشیده تر ادا می شود:
 يَذْهَبُ (yazhabu).

تلفظ «پیش» در کُردی نزدیک به ضمه‌ی ابتدای کلمات عربی و ضمه‌ی فارسی (o) است و به شکل «و» نگاشته می شود.

بیشتر آنان که در این خصوص در ایران قلم زده اند، واکه «و» کوتاه کُردی را با «پیش» فارسی، یکی دانسته اند و در این خصوص واژه‌هایی همچون واژه‌ی «گُرد» را مثال زده اند، که در کُردی به صورت «کورْد» نگاشته و ادا می شود. در حالی که این امر همان اشتباهی است که در خصوص کسره مرتکب می شوند و اگر بخواهیم واژه‌ی «گُرد» فارسی را با حفظ تلفظ فارسی و با رسم الخط کُردی بنویسیم، باید چنین بنگاریم: «کُورْد». در این واژه [همچون بسی واژه‌های دیگر]، شکل صداهای واژه‌ی «کورْد» در زبان کُردی، کاملاً از فارسی کُپی نشده و دقیقاً برابر نیستند و هنگام سخن گفتن از این واژه‌ها نباید ویژگی‌های خاص فونتیکِ زبان کُردی را فراموش کرد.

آشکار است که تلفظ «پیش» در زبان کُردی، کشیده تر از «پیش» فارسی است و پیش در زبان فارسی، سریعتر ادا می شود. این واکه در دو زبان فارسی و کُردی، دقیقاً معادل هم نیستند. (۱)

۱ - استاد بهار این واکه را هم جزو واکه‌های مجهول در زبان فارسی امروزه می داند که کُردزبانان آن را حفظ کرده و تلفظ می کنند. (نگاه کنید به پاورقی صفحه‌ی ۱۳).
 واکه‌ی «و» فارسی، «بسته» و «گُرد» است، در حالی که واکه‌ی «و» کُردی «نیمه باز» و «نیمه گُرد» است. [در باره‌ی «بسته» و «گُرد» به توضیحات ص ۱۴ و ۱۵ مراجعه کنید؛

واکه «واو گشوده» کردی با شکل (و) نشان داده می شود.

در زیر برای روشن تر شدن بیشتر این مطلب، به نوشتن برخی کلمات فارسی به رسم الخط کُردی و بالعکس پرداخته ایم:

واژه‌ی فارسی	رسم الخط کُردی	واژه‌ی کردی	رسم الخط فارسی
شُما	شۆما	سوَنه	سُنه
گُل	گۆل	نوک	نُک
رُقعی	رۆقعی	کوژ	کُر

این درست است که تلفظ و امتداد صوتی واکه‌های «و / ۆ / ۆ» کُردی و «و / ۆ» فارسی کاملاً یکی نبوده و تلفظ «پیش» فارسی کوتاه‌تر است؛ اما آنانکه واکه‌ی «و» کوتاه زبان کُردی را با «پیش» فارسی یکی می گیرند، به این امر توجهی ندارند که اساساً واکه‌ی «و» کوتاه کُردی (u)، در فارسی تلفظ نمی شود و یکی از واج‌های ویژه‌ی زبان کُردی است. گذشته از این، کشیده تلفظ کردن، یا کوتاه گفتن «پیش» در واژه‌های «کُردی»، تمایز معنایی در آن‌ها ایجاد نمی کند و انکار نزدیکی زیاد این واکه‌ها، خطاست. آخر سخن در این زمینه، اشاره به این مطلب است که هنگام نوشتن واژه‌های فارسی دارای «پیش»، به رسم الخط کُردی (با حفظ ویژگی‌های فونتیکی زبان فارسی) ظاهراً مشکلی به وجود نمی آید، مثلاً ظاهراً همه متفقند بر اینکه واژه‌ی «گلدسته» ی فارسی را با رسم الخط

کُردی باید بدین شیوه نوشت: «گولدهستی»؛ در حالی که هنگامی که بخواهیم واژه‌ای کُردی مانند «شورش» را (با حفظ فونتیک زبان کُردی) به فارسی بنگاریم؛ به دلیل عدم وجود واکه‌ای که دقیقاً معادل «پیش» کُردی باشد، نوشتن این واژه به فارسی مشکل است. [«شورش» همان «شورش» نیست [نه به لحاظ تلفظ و نه معنا] و نیز در «شرش»، ضمه کوتاه‌تر از ضمه‌ی کُردی ادا می‌شود.]

واکه‌های «واو» کوتاه (و) و «واو کشیده» (وو)

دو نوع واکه‌ی «واو» دیگر (علاوه بر «واو» گشوده یا ضمه) در زبان کُردی وجود دارد، که دقت در تلفظ و چگونگی نوشتن آن‌ها برای فراگیری املای کُردی، ضرورتی است مبرم:

واکه‌ی «و» (u)

این صدا در زبان کُردی، میان ضمه و «واو» کشیده، تلفظ می‌شود. تلفظ آن در زبان فارسی امروزه مرسوم نبوده و معادلی در این زبان ندارد. واکه «و» در زبان کُردی، فونیمی است که با جابه‌جایی آن با واج دیگر، تمایز معنایی در واژه پدید می‌آید.

چند نمونه از واژه‌های کُردی دارای واکه «و»:

کورد (kurd) گول (guĻ) خور (xuř)

واکه‌ی «وو» (ii)

این واکه معادل واکه‌ی «واو» فارسی است. در رسم الخط کُردی، برای آن دو نشانه‌ی حرفی (وو) منظور شده است. در مواردی، عده‌ای از نویسندگان، نشانه‌ی «و» (۱) یا «و» (۲) را به جای آن پیشنهاد کرده‌اند. گرچه به لحاظ اصول زبان‌شناسی و ویژگی‌های عامّ رسم الخط کُردی، قرار دادن یک حرف (یک شکل و نشانه‌ی حرفی) برای یک صدا درست است، امّا بیشتر نویسندگان کُردزبان این واکه را با شکل «وو» می‌نگارند. (۳)

چند نمونه از واژه‌های دارای واکه‌ی «وو»:

نوور (nür) نووسەر (nūsar) سوور (sür)

□ به دلیل ضرورت دقت بیشتر در سه واکه‌ی واوگشوده (و)، واو کوتاه (و) و واوکشیده (وو)، در زیر به ذکر چند نمونه پرداخته‌ایم که جابه‌جایی این واکه‌ها در آن‌ها تمایز معنایی ایجاد می‌کند:

گول (هم‌معنی «گل»)	guL	کور (هم‌معنی «پسر»)	kuř
گول (هم‌معنی سگ نر)	goL	کوپر (دسته - نشست و)	koř
گول (هم‌معنی «گول» فارسی)	güL	کوور (هم‌معنی گوژیشت)	küř

۱ - آکادمی علوم عراق - گروه کُردی.

۲ - استاد هژار - شاعر و نویسنده‌ی والای کُرد.

۳ - در تدریس کتب تحصیلی ابتدایی فارسی، یا هنگام توضیح این مصوت در زبان کُردی، برای ساده‌تر کردن مفهوم واکه‌ی «وو»، اغلب آن را به صورت «او» تلفظ می‌کنند. با توجه به اینکه صدای اول «او» همزه بوده و خود «او» دو صداست و نه یک صدا، لذا این امر صحیح نیست.

پ) چند واکه‌ی مشابه:

واکه‌های «ی / ī» و «ا / ä» در رسم‌الخط کُردی تفاوتی با رسم‌الخط فارسی ندارند، همانند:

واکه «ی» (ī) در واژه‌ی دیوار (هم‌معنی با واژه‌ی «دیوار» فارسی) diwār

واکه «ی» (ī) در واژه‌ی پیر (هم‌معنی با واژه‌ی «پیر» فارسی) pīr

واکه «ی» (ī) در واژه‌ی شادی (هم‌معنی با واژه‌ی «شادی» فارسی) šādī

واکه «ا» (ä) در واژه‌ی یار (هم‌معنی با واژه‌ی «یار» فارسی) yār

در اینجا مختصراً به این نکته اشاره می‌کنیم که یکی از مشکلات رسم‌الخط زبان کُردی (مانند مواردی در زبان فارسی) این است که برای برخی از همخوان‌ها (consonants) و واکه‌ها (vowels)، یک شکل واحد منظور شده است، که البته با مقداری دقت می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد و بر مشکلات ناشی از آن فایق آمد.

از جمله این موارد، هم‌شکل بودن واکه‌ی «و» کوتاه کُردی با همخوان «و» است:

نمونه‌ی همخوان «و»: وینه. (wena)

نمونه‌ی واکه‌ی «و»: گورگ. (gurg)

همچنین واکه‌ی «ی» و همخوان «ی»، همانند رسم‌الخط فارسی، یک

شکل دارند:

نمونه‌ی همخوان «ی»: یاران (yārān)

نمونه‌ی واکه‌ی «ی»: شیراز (širāz)

در پایان این بخش، نمونه‌هایی از جملات فارسی را آورده و همان جملات را (با حفظ فونتیک فارسی آن‌ها) به رسم الخط کردی نوشته‌ایم. همچنین برای آشنایی بیشتر، عکس همین کار را انجام داده‌ایم. (۱)

جمله با رسم الخط فارسی: مَن در اُستانِ کُردِستانِ زِندِگی می‌کُرم.

همان جمله با رسم الخط کردی (با حفظ تلفظ فارسی و بدون ترجمه):
مه‌ن ده‌ر ئوستانِی کوردِستانِ زیندِگی می‌کونه‌م.

فونتیک: man dar ʒostāne kordestān zendegī mikonam.

ترجمه کردی: من له پارێزگه (ئوستان)ی کوردستاندا ده‌ژیم.

جمله فارسی: او با دوستانش در استادیوم ورزش می‌کند.

همان جمله با رسم الخط کردی: ئوو با دووستانه‌ش ده‌ر ئیستادیووم
وه‌رزیش میکونه‌د.

فونتیک: ʒü bā düstānaš dar ʒestādyom warzeš mikonad.

ترجمه کردی: ئە‌وله‌گه‌ل هاورپێکانی له وه‌رزشگه (ئێستادیووم) دا وه‌رزش
ده‌که‌ن.

جمله فارسی: آیا شما به اهواز و اصفهان سفر کرده‌اید؟

۱ - همان‌طوری که قبلاً گفته شد، هدف از این کار صرفاً ساده‌تر کردن مطالب است نه مقایسه‌ی رسم الخط‌ها به طور کامل و یا انطباق برخی صداها برهم، که در مواردی ناممکن است.

همان جمله با رسم الخط کُردی: ئایا شوْما بئِ ئه هواز وه ئیسفه هان سه فه ر
که رد ئید؟

فونتیک: *äyâ šomä be ähwäz wa äsfahän safar kardeäid?*

ترجمه کُردی: ئایا ئیوه (تا ئیستا) ئه هواز و ئیسفه هانتان دیوه؟



جمله با رسم الخط کُردی: تاران پیته ختی ئیرانه.

همان جمله با رسم الخط فارسی: (بدون ترجمه و با حفظ تلفظ کُردی):
تاران پتختی ایران. (۱)

ترجمه به فارسی: تهران پایتخت ایران است.

جمله کُردی: زیویه شوینه واریکی که ویننه ی جیی شانازییه.

همان جمله با رسم الخط فارسی: زیوی شوئوارکی گونینی جی شانازیی.

ترجمه به فارسی: زیویه، یک اثر باستانی افتخار آمیز است.

جمله کُردی: تو ئاگر بووی، من ژیله موئی بن خو له میش ...

همان جمله با رسم الخط فارسی: ت آگر بوی من ژیله می بن خله
مش ... (۲)

ترجمه به فارسی: تو آتش بودی، من اخگر زیر خاکستر ...

۱ - همان طوری که ملاحظه می شود کسره ی واژه ی «ئیران»، کشیده تر از کسره ی فارسی است.

۲ - در این نمونه نیز می بینیم «پیش» کُردی («واو» ی کراوه) با «پیش» فارسی دقیقاً یکی نبوده و «پیش» فارسی، [همانند کسره] سریعتر ادا می شود.

بہشی دووہم

رینووسی کوردی

یه که م هه نگاوی «نووسین» و «جوان نووسی»، فیربوونی رینووسی
زمانه و دیاره هه چهند ناوه پوکی و تار و نووسراوه یه ک شیرین بی، به لام
رینووسه که ی ناحهز و ناراست بی؛ ئەو ناوه پوکه جوانه داده پوشری و
خوینده وارانیش لئی تی ناگهن ...

رهنگه به دیتنی سه ردپری ئەم نامیلکه یه، پرسیاریک یته ئاراوه، که ئەم
هه مووه کتیب و نووسراوه سه بارهت به رینووسی کوردی نووسراوه،
چ پووستیه ک به م کاره هه یه و ئایا خوانه خواسته ده مانه وی رینووسیکی
نوی بو زمانی کوردی بخهینه به رباس؟ یا له مهیدانی کیشه کانی
زمانه وانیدا، ریبازیکی تایبه تی و جیاوا زمان گرتو ته بهر؟ ...

بو یه لیره دابه کورتی سه ره کی ترین ئامانجه کانی نووسینی ئەم نامیلکه یه
ده ستنیشان ده که یه:

۱- گه لئ له میلله ته کانی دونیا قه رزرداری زمانه که یانن و که سیتی و
قه واره ی نه ته وه بیان به هو ی زمانه که یانه وه پاریزراوه و له میژووی
کوردیشدا، هیچ شتی ک نه یه توانیوه به قه د وشه ی کوردی، خزمه تی ئەم
گه له بکا. ئەرکی فه ره هنگی و مرو فانه ی هه موو ئە ده بدو ستی که به پی
توانای خو ی، هه ول بدا خزمه تی زمانه که ی بکا ...

۲- به خویندنه وه ی کتیبگه لی جو راو جو ر له بواری رینووس [و
ری زمان] ی کوردیدا، زو ر جار ده بینین بیرو را و وازی تاکه که سی نووسه ر

بوو ته بناوانی ده‌پرینی هه‌ندی بیروپرا و دانانی یاسا بو رینووس. له‌م نووسراوانه‌دا گوئی نه‌دراو ته قازانج و بیروپرای گشتی و بناغهی زانستی بوچوونه‌کان... له‌ په‌نا ئه‌مانه‌دا، هه‌ندی هه‌نگاوی قایم له‌ هه‌ورازه‌پیی کیشه‌کانی زمانه‌وانی کوردیدا هه‌لگیراوه و له‌م سی چل ساله‌ی دواییدا، زور و تاری به‌نرخ و کتییی به‌بایه‌خ له‌ بواری زمانه‌وانی و زمانناسی کوردیدا چاپ کراوه. گهرچی ئه‌م مه‌یدانه‌هیشتا کاری فره‌زیاتری پیویسته، به‌لام ئیمه‌نامانه‌وی به‌م ریگایانه‌دا بچینه‌وه و خو‌مان له‌و ده‌سکه‌وتانه‌نه‌بان بکه‌ین و گهره‌کمان نییه‌هه‌ر به‌رواله‌ت شتیکی نوی بخه‌ینه‌به‌رچاو؛ به‌لکوو مه‌به‌ستمان ئه‌وه‌یه‌هه‌ندی له‌گرینگترینی ئه‌م ده‌سکه‌وتانه‌پیشکشی خوینه‌رانی به‌ریز بکه‌ین و هاوده‌نگ و هاوشان له‌گه‌ل دلسوزانی تری زمانی کوردی، له‌ریگای پیکه‌ینانی «زمانی یه‌کگرتوی ئه‌ده‌بی کوردی» دا هه‌نگاویکی پچووک هه‌لبگرین. شایانی باسه، له‌م نووسراوه‌یه‌دا فره‌تر له‌هه‌موو سه‌ر چاوه‌یه‌ک، له‌نووسینه‌کانی به‌ریزان «دوکتور عه‌بدوپه‌حمانی حاجی مارف»، «دوکتور یه‌دوللا سه‌مه‌ره»، «دوکتور عه‌لی موحه‌مه‌د حه‌قشناس» و ماموستا «مه‌سعوود موحه‌مه‌د» که‌لک و هه‌رگیراوه.

٣- کاتی ده‌روانینه‌به‌ره‌می هه‌ندی لاوی هوگری هونه‌ر و ئه‌ده‌ب، که‌ده‌ست ده‌ده‌نه‌قه‌له‌م و جاروباریش شتی جوان ده‌نووسن؛ گه‌لی هه‌له‌ی رینووسی تیدا ده‌بینین، بو‌یه‌مه‌به‌ستی سه‌ره‌کیمان له‌نووسینی ئه‌م نامیلکه‌یه‌ ئه‌وه‌یه‌که‌به‌زمانیکی ساده‌وسا‌کار، له‌نووسین و خویندنه‌وه‌ی کوردی بدوین؛ هه‌رچه‌ند که‌به‌پی سروشتی خودی بابه‌ته‌کانه‌وه، زورجار ناچار

دهیین له زمانی ساده لابه‌هین و په‌نجه بو لایه‌نی زانستی و وردت‌تری باسه‌کان رابکیشین. هه‌روه‌ک له پیشه‌کی به‌شی فارسیدا‌گوتمان، بو‌ئه‌وه‌ی هه‌ندی له خوینه‌ران - که تازه ده‌ستیان کردوو به خویندنه‌وه‌ی کوردی - به‌م باسانه‌وه ماندوو نه‌بن، هه‌ولی ئه‌وه دراوه به‌شی زوری ئه‌م لایه‌نه له په‌راویژدا بگونجین.

ریبازی نووسینی ئه‌م نامیلکه‌یه

جگه له چهند سه‌رنجیك سه‌باره‌ت به ئالۆزی و دیدی هه‌له‌ی هه‌ندی له قه‌له‌مبه‌ده‌ستان له‌باره‌ی بابته‌ی وه‌ك بزۆین (Vowel) له زمانی کوردیدا؛ زۆربه‌ی ناوه‌روکی ئه‌م نامیلکه‌یه، تازه نییه و یه‌که‌مجار نییه باسی لی‌ده‌کری و له زۆرکتیی ریزمان و رینووسی کوردیدا، وینه‌ی ئه‌م باسانه‌ی کراوه. ئه‌وه‌ی ویستوو‌مانه، هه‌نگاوی‌که بو‌ئه‌وه‌ی به‌زمانیکی ساده‌وه، له دلی فۆلکلۆر و ئه‌ده‌ب و به‌ئامرازی نموونه‌هینانه‌وه له شیعر و فۆلکلۆر و په‌ند و مه‌ته‌لی کوردی . . . ده‌لاقه‌یه‌ک بکه‌ینه‌وه بو‌باشتر تیگه‌یشتنی یاساگه‌لی «رینووسی کوردی».

پیتەکانی زمانی کوردی

له پێشدا به بیانوی لیدوانی پیتەکانی ئەلفوویی کوردی، ئاماژە بە دوو بابەت دەکەین کە هەندی لیکۆلینەووی زمانەوانیشی لەسەر کراوە؛ بۆئەووی بەستینیک^(١) بێ بو باسەکانی داها توومان.

یەكەم: کاتی کە باسی پیتەکانی زمانی کوردی دەکەین، سەرنجی زۆر بەمان راستەوخۆ بەرەو ئەلفووییەك رادەکیشری کە لە ئەلفوویی عەرەبییەو سەرچاوەی گرتوو و بەپێی گومانی زۆر بەی نووسەران، سەرەتای نووسینی زمانی کوردی بەم ئەلفووییە، دەگەریتەو بۆئەوکاتە کە فارس زمانەکانیش بەم ئەلفووییە دەستیان کرد بە نووسین و بەتەیهکی تر سەردەمی پەرەگرتنی دەسەلاتی ئیسلامی لەم ولاتانە دەور و بەردا . . . ئەمە تا ئیستا هەر گومانیکە و ئەگەریش وای، بەرەمە نووسراوەکانی ئەو سەردەمانە نەپاریزاون و فەوتاون.

وەك ئاشکرایە نووسراوە کوردییەکانی ئیستا تەنیا بەم ئەلفووییە بلاونابنەو، بەلام ئەووی کە لەم نامیلکە یەدا باسی لی دەکەین؛ رینووسی کوردی بە «ئەلفوویی عەرەبی» یە.

١٩٩٥: ئەم ئەلفووییە، بەهەموو جوانییەکانییەو، هەندی گیر و گرتی هەیه و لەبری شویندا، لەگەڵ فونیتیکی زمانی کوردی یەك ناگرنەو کە هەندی

لیکۆلینه وهی به نرخ، به لام به داخه وه زۆر تر بی سهره نجامی له سهر کراوه. ئەم گهروگرفتانه زۆر جار بوونه ته هۆی ئەوهی نووسهران ههول بدەن بۆ ههلبژاردنی ئەلفووبییه کی سازگار له گهه تایبه تمه ندییه کانی زمانی کوردی، بۆ نموونه ههندی کیشهی زمانه وانانی له سهر ههلبژاردنی ئەلفووبییه عه ره بی، یان لاتین بۆ زمانی کوردی کراوه و رای جوړاو جوړ ده رپراوه. گه رچی هه ندی بۆ چوونی زانستیانه ی جیی سهرنج له م بواره دا هاتۆ ته گوێ؛ به لام گه لهی هۆی ئاشکرا و نادیار، نه یانه یشتوو ه ئەم چالاکیانه ده سکه و تیکی به که لک و کارای بی و زیاتر هه ره له دوو تویی کاغه زه کاندای نێژاون و ته نیا توانیویانه بینه شفته ریژی بینای زمانیکی یه کگرتوو له داها تودا.

هه ندی ده نگ و نیگاری جیی سهرنج

جگه له هه ندی پیتی (۱) هاوبه شی نیوان زمانی کوردی و فارسی، که نیگار گه لیکی (۲) یه کسانن بۆ هه ندی ده نگ (۳) یه کسان؛ چه ند نیگار و پیتیکی تایبه تی له رینووسی کوردیدا به کارگیراوه که له زمانی فارسی

۱- ده نگ له ریگه ی «گوئی» وه چه ست ده کری و به هۆی ئامیری ئاخاوتن (دستگاه گویش) وه ده رده بریت؛ به لام پیت، نیگار (شکل و وینه) ی ده نگه، که ده نووسری.

۲- نیگار = شکل. نیگار وشه یه کی فره مانایه. ئە گه ریش پر به پیستی «شکل» نه بی، وشه یه کی جوانترم پی شک نه هات و هه ره به پی هه لبژاردنی هه ندی نووسه ری وه ک دوکتور «عه بدوره حمانی حاجی ماری»، نیگارم له جیی دانا.

۳- ده نگ = صدا

دانابینرین [وهك: «لام» ی قهله و (ل)، «ر» قهله و (ر)، «ف» و ...]. سهره‌پرای هندی جیاوازی بیژه (تلفظ)، به کارهینانی زوربه‌ی پته‌کان له رینووسی کوردیدا وهك فارسین. ره‌نگه ئه‌و گومانه بیته‌پیش که هندی به‌راوردی نیوان زمانی کوردی و فارسی، به‌راوردکاریه کی ته‌واو و لاساییکارانه‌یه؛ بو‌یه پیوسته بلین: هندی‌بابه‌ت و لایه‌نی زمانی بنه‌ره‌تی هه‌ن، که له هه‌موو زمانه‌کانی دنیا‌دا یه کسان و یه کپه‌نگن؛ وهك «که‌رته‌کانی زمانی ئاخاوتن»^(١) که له‌نیوان هه‌موو زوانگه‌لی دنیا‌دا هاوبه‌شن.^(٢)

١ - اجزای سخن / اجزای زبان گویشی.

٢ - بو‌یه که‌م جار زانایانی زمانی یونانی (سه‌ده‌ی دووه‌می پیش زاین) نه‌خشه‌یه کیان بو‌به‌شه‌کانی ئاخاوتنی زمانی خو‌یان هینایه‌گو‌ر و پاشان رومیه‌کان و ئورووپایه‌کان، به هندی ده‌ستکاریه‌وه که‌لکیان له‌م نه‌خشه‌یه وه‌رگرت و دوایه رووسه‌کان به ئالو‌گو‌روه‌وه سه‌لماندیان. به پی‌ی دابه‌شکاری روژاویه‌کان، ئاخاوتن له هه‌شت به‌ش پیکهاتوه، که بریتین له: ١- ناو Noun, Substantive ٢- ئاو‌ه‌لناو Adjective ٣- جیناو Pronoun ٤- کردار / چاوگ infinitive/Verb ٥- ئاو‌ه‌لکردار Adverb ٦- ورده‌وشه Preposition ٧- ئامرازی پیوه‌ندی Conjunction ٨- ئامرازی سهرسو‌رمان و بانگیشتن Interjection.

رووسه‌کان، دوو به‌شیان خسته‌سهر ئه‌م دابه‌شکاریه که بریتین له: ١- ژماره Numeral و ٢- بیژ (پارتیکل) Particles (ادات، لفظ). له راستیدا سهره‌پرای نزیکایه‌تی «ژماره» و «ئاوه‌لناو»، هندی تابه‌تمه‌ندی «ژماره»، جیاوازن له ئاو‌ه‌لناو و «ژماره» وهك به‌شیککی سهربه‌خو‌ی زمانی خو‌ده‌نوینی. هه‌روه‌ها پارتیکلی وهك «دا، ده‌ی، با، ده‌با، خو، جا...» له‌گه‌ل «ئامرازی سهرسو‌رمان و بانگیشتن» یه‌ك ناگره‌وه و ئه‌م به‌شه‌ش که‌رتیکی زمانی سهربه‌خو‌یه. (پروانه بو «ریزمانی کوردی، به‌رگی یه‌که‌م، مورفولوژی، به‌شی یه‌که‌م - ناو» ل ١٠-٦، به‌غدا، ١٩٧٩، چاپی کو‌ری زانیاری کورد).

له هەر روانگه‌یه که وه بپرواینه زمانی کوردی و زمانانی دیکه، ئەم دابه‌شکارییه هه‌موویان ده‌گرێته‌وه و کاتیک له‌م نامیلکه‌یه‌دا بۆده‌رخستنی هه‌ندی تایبه‌تمه‌ندی زمانی کوردی، جاروبار له‌گه‌ل فارسیدا به‌راورد ده‌که‌ین؛ مه‌به‌ست لاساییکردنه‌وه‌ی فارسی، یان هه‌یچ زمانیکی تر نییه، به‌لکوو هۆی یه‌که‌م هاوبه‌شبوونی هه‌ندی لایه‌نی زمانه‌کانه و هۆی سه‌ره‌ کیتیریشمان ساده‌ کردنه‌وه‌ی بابه‌ته‌کانه‌ بۆئه‌و لاوانه‌ی به‌زمانی فارسی راهاتوون.

پیته‌ جیاوازه‌ کان

هه‌مزه (ئ)

گه‌رچی سه‌باره‌ت به‌م ده‌نگه‌ بپروای جیاواز له‌ نیوان زمانه‌واناندا هه‌یه و هه‌ندی که‌س به‌ «بزوین»^(١) داویانه‌ته‌ قه‌له‌م؛ به‌لام هه‌مزه هه‌موو کاتی له‌ سه‌ره‌تای بپرگه‌ (ه‌جا)ی کوردیدا دیت و به‌دوای هه‌مزه‌شدا بزوین دی. هه‌روه‌ها ئاشکرایه‌ له‌ زمانی کوردیدا جگه‌له‌وه‌ی «بزوین» دووهم ده‌نگی بپرگه‌ (ه‌یجا)یه، هه‌رگیز دوو بزوین به‌شوین یه‌ کدا نایه‌ن. هه‌ر به‌م هۆیانه‌وه هه‌مزه، بزوین (vowel) نییه.^(٢) وه‌ک ئەم نموونانه‌ی خواره‌وه:

١- بزوین (vowel): ده‌نگ‌بزوین، ده‌نگدار ...

٢- هه‌ندی له‌ فونیتیکرانه‌کان (وه‌ک دوکتوره‌حمانی حاجی ماریف) «هه‌مزه» به‌ «یارمه‌تیده‌ی بزوین» ده‌ناسن و به‌ (consonant) نایده‌نه‌ قه‌له‌م. [کۆری زانیاری کورد، له‌ به‌شی دووهم، به‌رگی دووهمی گوڤاری کۆر، ل ١٨٦ داوشه‌ی «گیر»ی له‌جیی (consonant) داناوه. به‌ سه‌رنجدانی چۆنیه‌تی دروستبوونی (consonant) ه‌کان

□ ریکه وهندی: (١) [ئ + بزوینی سه ره (٢) + ...] له م وشانه دا:
 ته سرین، ته هوهن، ته ستیره، ته شکه وت، ته لیم

نمونه:

ته سیری بسکی ئالۆزی کچه کوردیکی نه شمیلیم
 ته ماشاکه ن چ سهیریکه، به دهستی دیله وه دیلم.

هیمین

من ته لیم هه تا هه تایه ده وری جوانیه.

سواره ئیلخانی زاده

ته وه به هاریکم گه یوه تی کاکه سهیده وانه گیان، به هاریکی له من چه ند
 گه شه ...

بهیتی سهیده وان

□ ریکه وهندی: [ئ + بزوین «آ» (ی) + ...] له م وشانه دا:
 ئیمان، ئیتر، ئیپه، (٣) ئیتریس (ره زاگران)، ئیکسیر (٤)

→ که له کاتی ده ربریناندا، به پیچه وانیه «بزوین» ه کان، جو ره «گیر» یک له ئامرازی
 فیزیکی ئاخاوتندا پیک دیت، ئەم هه لبراردنه، فره به جیه.

همزه له خانه بهندی فونه تیکدا ده چیه خانووی ده نگه جه نجه ره بیه کانه وه.

١ - ریکه وه ند = ترکیب. گهرچی ئەم واژه یه زور به دل نییه، به لام هیچی دیکه م
 نه هاته بهرچاو له جیی واژه ی ته رکیب داینیم.

٢ - فتحه / a.

٣ - بهنی قایشه جووت.

٤ - دیاره بزوینی «ی» له وشه گه لی وهك «ئیتیس» دا، کورتره له بزوینی «ی» له

نموونه:

میننه ت ژ خودایی کو بعه بدی خو مه لایی
ئیکسیری غه می عیشق نه دینار و دره م دا

مه لای جزیری

□ ریکه وهندی [ئ + بزوینی «e» (ئ) + ...] له وشه گه لی:
 ئیوه، ئیزنگ (داری سووته مه نی)، ئیستا، ئیمه

نموونه:

ئیاو ره یه، سا هه لگره ده ی گۆزه یی تازه
 بهر ده رگه که تان قیله یی رووی ته هلی نیازه

گۆران

«... من دهمه وی ئیاو ره یه ک

له گه ل هه ورا بیاریت و ته و او نه بیت ...»

عه بدوللا به شیو

□ ریکه وهندی [ئ + بزوینی «o» (و) + ...] له م وشانه دا:

ئوبال، ئوغر، ئوبه، ئوخژن

→ وشه ی وهك «پیر» دا. هه ندی نووسهر، نیگاری (ب) یا (٢ «یا») یان، بو ئەم تاکه ده نگه داناوه؛ به لام کرژ و خیرا ده برپین، یا دریز ده برپینی ئەم بزوینه، هیچ جو ره مانا گۆرکیه ک له وشه دا پیک ناهینی و ئەم کاره پیویست ناکا. له باسی تایهت به م بزوینه دا پتر له سه ر ئەم باسه ده روین.

نمونه:

کلاولار گورجی که وره فتار، نه زهر ناکه ی ته پروی ئوغر
له تیری ئاهی ناکامیم چه زهر ناکه ی ته پروی ئوغر

گوران

(فولکلور)

ئوبال به ستوم زیده جوانی

□ ریکه وهندی [ئ + بزوینی «u» (و) + ...] له م وشانه دا:

ئومید، ئوستاد، ئوچ (پینووسی قامیش)، ئوک (ئهوک، گهروو)

نمونه:

نالی ئوستاده که ی گه لی چابوو
خزری ئابی حه یاتی مه عنا بوو

حاجی قادری کوی

□ ریکه وهندی [ئ + بزوینی «ü» (وو) + ...] له م وشانه دا:

ئووفه (نه خو شینیکی یه کسمه وهک هه لامهت)، ئووک (گهروو) (١)

نمونه:

ئاب و خاک قالب نه که رده، گل وه پی ئووشن نه خشت
زه حمهت سه رمای زمسان روتبه ی یه خ دهیده ئه و

(شامی کرماشانی)

١ - هه ر به م نمونه شه دا [که له زمانی ئه ده بی و فولکلوری کوردیدا که من و خو ش نایه نه سه ر زار]، دیاره که ئه م ریکه وهنده له کوردیدا زور که مه.

□ ریکه‌وه‌ندی [ء + بزوینی (ا) (ا) + ...] له وشه‌گه‌لی:

ئاگر، ئاوینه، ئاشتی، ئاسمان

نموونه:

هه‌رکه‌سه‌ی هات و وتی من ئاشقم بپروامه‌که

تا له‌سه‌ر گۆنای نیشانی زه‌خمی مارانگه‌ز نه‌وی

(له‌سترانیکی سه‌یید. عه‌لی ئه‌سه‌غزێ کوردستانی) (١)

«زیلا» بووه‌ به‌ ماسیه‌کی بالدارێ ناو «زریار».

من خووم دیومه‌، ئیسته‌ ئه‌و له‌ناو هه‌ورایه‌ و

له‌سه‌ر کورسییه‌کی به‌رزی ئه‌رخه‌وانی دانیشتوووه‌ و

به‌گزنک شیع‌ر ئه‌نووسی و کراسیکی ئاودامانی

مانگه‌ شه‌وی له‌به‌ردایه‌ ...»

(شیرکۆبیکه‌س)

ئاوی ئاغا به‌ره‌و ژووریش ئه‌روا.

(قه‌سه‌ی نه‌سته‌ق)

له‌ عیسا‌ی چاوه‌که‌ت ویستم ته‌ماشایه‌کی مردوو‌کا

ده‌نا‌قینووسی رووت ئیزنی به‌ ئه‌م ئیعه‌جازه‌ هه‌ر نادا

ئاسو

ده‌نگی هه‌مه‌زه‌ (ئ)، جگه‌له‌ سه‌ره‌تای وشه‌، له‌ ناوه‌ندی وشه‌شدا ده‌ویژری،

وه‌ك له‌م وشانه‌دا ده‌بیینین:

١ - له‌سه‌ر ئه‌وه‌ی ئه‌م شیع‌ره‌ هی کام شاعیره‌، کیشه‌ هه‌یه‌ و ساخ نه‌بوته‌وه‌.

بیئالینه، سوئال، ده ئاخووم، بیئه نگیوه

نمونه:

سوئالیکت لی ده کهم، ئیسمی شه ریفیت چیه؟
ناوی خووم به کوپان نالیم، بولبولم شاپه ریه

فۆلکلۆر

پرچت وه سه ره شماری بیئالینه گهردنم
هه رچی ئەم چزگه (۱) دووره، تزیکه لیم مردنم

فۆلکلۆر (۲)

۱- جزوو.

۲- دواسه رنج سه بارت به دهنگی هه مزه: به بیچه وانه ی هه ندی بیروپراوه؛ هه مزه بزوین نیه وهك گوتمان، بزوین هه رگیز له سه ره تای وشه، یان برگه و کهرتی وشه ی کوردیدا، نایه ت. هه مزه هه موو کاتی به یارمه تی بزوینیک ده وپژری، یا به و ته یه کی تر: خو ی ده بیته یاریده ده ری ده برینی بزوینیک. «هه مزه» دهنگیکی هه نه ره یه؛ له کاتی ده برینیدا، گه روو ته نگ ده بیته وه، ده به سری و هه وا به ته وژم، له گه روو وه دیته ده ر و ده نگه که ده وپژری ...

ریگایه کی ساده بو جیا کر دنه وه consonant (کوئسوئانت) و vowel (بزوین) له به کتر، ئەوه یه که سه رنج بده یه چوئیه تی ده برینی ده نگه کان. له کاتی ده برینی «کوئسوئانت» دا، دوو به شی سه ره کی ئامیری فیزیکی ئاخوتن (واته له لیوه کانه وه تا هه نه ره)، له جیگایه کدا لیک ده که ون، هه وا له و شوینه دا «گیر» ی هه یه و به ئاسانی نایه ته ده ر؛ به لام کاتی ده برینی «بزوین» (که هه موو کاتی به دوا ی «کوئسوئانت» دادیت)، ئەم دوو به شه لیک جیا ده بنه وه؛ واته بی ئەوه ی گیر لیک هه بی، هه وا به سانایه له زار دیته ده ر.

راهینان (۱):

وشه‌گه‌لی ژیره‌وه به رینووسی فارسی نووسراون، به‌کوردی

بیاننوسنه‌وه:

آوات، آراس، آو، آیا، آمانج، آنجام، آشک، آساس، آمان، ایمان، ایروان،

آش، آسان.

وه‌لامی هه‌موو راهینانه کان له پاشکو دایه.

نیگاری «ر» (r̄) - «ر» ی قهله و

بۆدەر برینی دهنگی (ر) ی قهله و، سه‌ری زمان ده‌نووسی به سه‌ره‌تای نه‌رمه‌مه‌لاشووه‌وه؛ به‌پیچه‌وانه‌ی (ر) ی لاواز، که له کاتی ده‌ر بریندا، نووکی زمان ده‌نووسی به پروکی سه‌ره‌وه. (١)

نمونه‌ی وشه:

شه‌وگەر، هه‌لفرین، کورینه، گروو

«ر» ی سه‌ره‌تای وشه‌ی کوردی، هه‌میشه «ر» ی قهله‌وه، بۆیه زۆربه‌ی نووسهران نیشانه‌ی (ر) ی بۆدانانین (٢) وه‌ک: ریگا، راژان، ریوی، ریوار

١ - ئەم ده‌نگه له خانه‌به‌ندی فۆنه‌تیکدا ده‌چیته‌ خانووی «له‌ره‌دار (له‌رزۆک) / نه‌رمه‌مه‌لاشوویی» یه‌وه. [کاتی ده‌ر برینی ده‌نگی «ر»، سه‌ری زمان به‌مه‌لاشووه‌وه ده‌له‌ریته‌وه؛ هه‌روه‌ها ناوه‌راستی زمان هه‌ندی قۆز ده‌بیته‌وه.]

٢ - ئەم بۆچوونه، له باری رینووسه‌وه‌راست نییه. . . چونکه به‌پیی یاساکانی رینووسی کوردی، هه‌ر ده‌نگه‌ی نیگاریکی تایه‌ت به‌خوی هه‌یه و چۆنه‌تی نووسین و نیگاری ده‌نگ نه‌به‌سراوه‌ته‌وه به‌شویی وتنی ئەو ده‌نگه له سه‌ره‌تا، یان له نیوان، یا له ئاخری وشه‌دا. هه‌ر نیگاریک که بۆ ده‌نگیک دانراوه، وه‌ک پیناسه‌ی ئەو ده‌نگه وایه و له هه‌موو شۆنیککی وشه‌دا ده‌بی به‌پیناسه‌یه‌وه بناسریته‌وه. نیشانه‌ی (ر) هه‌یچ مانایه‌کی سه‌ره‌خوی نییه و نیگاری «ر» یه‌ک ده‌نگی یه‌کپارچه‌یه، که بۆ «ر» ی قهله‌و دانراوه و نابێ له یه‌ک جیا بکریته‌وه. جگه‌له‌مه، بۆ لیکۆلینه‌وه‌ی زمانه‌وانی به‌تایه‌ت (بۆ بیگانه‌زمانان) دانانی نیشانه‌ی (ر) پیوسته. به‌لام چونکه زۆربه‌ی نووسهران، «ر» ی سه‌ره‌تای وشه به‌بی نیشانه‌ی (ر) ده‌نووسن؛ بۆ به‌گری له شله‌ژاوی فرده‌تر، هه‌تا کۆریکی ده‌سه‌لاتداری گشتی له‌م باره‌وه بریاریک بدا؛ باشتره (ر) ی سه‌ره‌تای وشه هه‌ر به‌بی نیشانه‌ بنووسری.

نموونه:

کوتهی ئاوه سووی به هار بر اوم
به شهوی پاییز تا روژ گراوم

فولکلۆر

غه زال چیشم که رد، دلت لیم ریشه
خوت ساحبو تیشهی، ته قسیر من چیشه

(گۆرانی «یار غه زال»ی سه یید عه لی ئه سفغری کوردستانی)

شه و گه رو داوه ت خو شه
مه رد به له منی تیک مه ده

فولکلۆر (له: گۆرانی حه سه ن زیره ک)

له پردی باسان کارتهی میوه
گه یمه هه یرانی کور به به ریوه
مار یژگه م و یران، مانندی بووی پیوه

حه یران

راهینان (۲):

کام دهنگی «پر»ی ئه وه وشه کوردییانهی ژیره وه، نیشانهی (۷) ی
پیویسته و بووی دانه نراوه؛ دیاری بکه ن و بووی دابنن: (له به رانبه ر هه ر
وشه یه کدا، مانا فارسییه که ی هاتوو ه).
به رد (سنگ)، کور (پسر)، کوپر (کور)، گر (شعله، آتش)، شه ر (جنگ)،
گریان (گریه)، شیر (شیر)، برین (زخم)، برین (بریدن)، که ر (ناشنوا)،
که ر (الاغ)، ئاور (به عقب نگرستن)، ئاور (آتش).

نیگاری «ل» (L) - لامی قهلهو

بۆدەرپرینی «لامی قهلهو»، سه‌ری زمان توژی و ه‌رده گه‌ری و به بنی پووکی سه‌روهه ده‌نوسی؛ هه‌روهه ناوه‌راستی هه‌ندی قو‌قر ده‌بیته‌وه. به پیچه‌وانه‌ی لامی لاواز (ل)، که له نووسیندا هیچ نیشانه‌یه‌کی نییه و بۆ دهرپرینی؛ پانایی پیشه‌وه‌ی زمان، راست ده‌نوسی به ناوه‌راستی پووکه‌وه: (۱)

هه‌لو، که‌ل، هه‌لاله، ولات

نمونه:

سه‌عات بۆده‌سی، که‌له بۆچاوی
عه‌تری هه‌فتا و هه‌وت، بۆ زولفی خاوی

فۆلکلور

داییه له بالم گولله‌ی توپه‌ خو
بیچن زامم (با) لیم نه‌ کاته سو

له هه‌وره‌یه‌کی «عارف دیوانده‌ره» بی وه‌رگیراوه

ده‌نگه‌ ئه‌ که‌م خه‌لک مه‌نام ئه‌ کا، ده‌نگه‌ نا که‌م ده‌ر دکونام ئه‌ کا.

(به‌ندی پیشینیان)

پیاو کۆله‌ که‌ی ماله (په‌ند)

۱- له‌ خانه‌به‌ندی فۆنه‌تیکدا به‌مجۆره‌ ده‌نگه‌ ده‌لین: که‌نازی / ره‌وان / زاری / پسوکی. له‌ کاتی دهربرینیدا رووی زمان ده‌نوسی به‌ پووکه‌وه و هه‌ناسه‌ له‌ لاته‌ نیشته‌کانی زمانه‌وه‌ دیته‌ده‌ر.

❁ دهنگی «لامی قه‌له‌و» له سه‌ره‌تای وشه‌ی کوردیدا ناویژری.

راهینان (۳):

کام وشه هه‌له‌یه راستی بکه‌نه‌وه:

لاَړ (کج)، سال (سال)، کلاو (کلاه)، تال (تلخ)، لال (لال)، گول (گل)،
لییره‌وار (جنگل).

نیگاری «ف»

زانا کورده‌کان، ئەم نیگاره‌یان بو نیشان‌دانی دهنگی «ف» (دهنگیکی وه‌ک ۷ ئینگلیسی) داناوه.

ئەم دهنگه زۆرتر له زاراوه‌ی کرمانجی ژوو‌روودا هه‌یه و که‌م وشه‌مان له زاراوه‌ی کرمانجی خو‌اروو و زاراوه‌کانی دیکه‌ی کوردیدا بووه که ئەم دهنگه‌ی تیدا بێ. له‌م دوایانه‌دا که نووسه‌ران و شاعیران هه‌ول ده‌ده‌ن به‌ر هه‌مه‌کانیان به‌ واژه‌گه‌لی زاراوه‌ جیا‌جیا‌کانی کوردی، ب‌پ‌را‌ز‌بننه‌وه، روژله‌گه‌ل‌روژ، هه‌ندی وشه‌ی فره‌تر له زاراوه‌ی کرمانجی ژوو‌روو وه‌رده‌گیری. له‌م ناوه‌دا هه‌ندی وشه‌ش، که دهنگی (ف) یان تیدا‌به‌هاتو‌نه‌ته زاراوه‌کانی دیکه‌ی کوردی. (۱)

۱- له بارې فۆنه‌تیکه‌وه ئەم دهنگه «لیو‌د‌دانی / خشه‌دار»ه و بو‌ده‌ر‌پ‌رینی؛ ددان ده‌چینه‌سه‌ر لیوی خو‌اره‌وه و هه‌وا له نیوان ددانه‌کانی پێشه‌وه دپته‌ده‌ر و ئەم دهنگه‌به «خشه / له‌ره»وه ده‌ویژری. سه‌رنجی خوینه‌ران بو‌ئەو مه‌سه‌له‌یه راده‌کیشین که:

ئەم دەنگە لە هەندێ وشە وەك ئەمانەدا دەبیسین:

هەقال، بڤڤه، گڤڤه، ڤینگه، تاڤگه، بزاف، راقه (۱)

دەردەدلی «کاکەمەم» ی بەیتی «مەموزین» ی خانی، لە گەل «شەم» یک؛
لەزیندانا:

هەرچەند بڤهڤ دەمینی بیدار
سبحان دڤڤی حەتاڤه ئیڤار
ئیڤار و سەحەر بە روژ ئە گەر شەڤ
ئەزەهر دەسژم، وەسال سەر هەڤ

لە عیسانی چاوه کەت و یستم تەماشایە کی مردوو کا
دەنا ڤینووسی رووت ئیزنی بە ئەم ئیجرازە هەر نادا

(ناسۆ)

✽ لە زۆر بەی وشەکاندا، گۆرینی «ڤ» بە «و»، مانای وشە کە ناگۆری. لە
زاراوەی کرمانجی خواروودا، جاروبار وشە ی کرمانجی ژوو روو بە وچۆرە
دە گۆردرین، وە کوو:

گۆڤار ← گۆوار	بزاف ← بزواتن، بزواتن
شەڤ ← شەو	ئەڤ ← ئەو
ئیڤار ← ئیوارە	هەڤ ← هەو، ئەو

↳ چونکە باسی فۆنۆلۆژی، لەم نامیلکە بەدا، باسیکی لاوه کییه؛ کاتی بە کورتی، لە پله
و خانووی فۆنیتیکی دەنگی داوین؛ مەبەست دەرختنی هەموو روویە کی ئەم
دەنگانە لەباری فۆنۆلۆژیە وە نەبووه و هەر سەرە کیتین تایبە تەندی فۆنیتیکی
دەنگە کە مان نیشان داوه.

۱- لە زاراوەی کرمانجی خواروودا، دەنگی «ڤ» لە و شانەدا دەبیسین کە ئەم
دەنگە یان تیدا دووبارە بووه تەو.

راهینان (۴):

کام وشه مانای «آبشار» ده‌ده، ده‌ستیشانی که‌ن:

ئا) رووبار ب) شو‌راوگه پ) تاڤگه ت) بزاف

بزوینگه‌لی «سه‌ر» و «زیر»

زانا کورده‌کان، بۆنیشان‌دانی بزوین له نووسینی کوردیدا به‌پیی ناسیاری خوین له په‌یکه‌ر و ساختمان و تایه‌تمه‌ندییه‌کانی ریزمانی ئاخاوتنی کوردی؛ بزوینه‌کانیشیان وه‌ک کۆنسۆناته‌کان، به‌پیت ده‌ستیشان کرد. نووسینی بزوینه‌کان به‌پیت، رینووسی کوردی له هه‌ندی گیر وگرفتی ئه‌لفووبیی عه‌ره‌بی‌رزگار کرد؛ به‌په‌چه‌وانه‌ی فارسی که‌ بۆنیشان‌دانی به‌شیک له بزوینه‌کان، شیوه‌ رینووسی عه‌ره‌بیان ره‌چاو کرد و له بزوینه‌ر (اعراب) که‌لک وه‌رده‌گرن.

بزوینی «سه‌ر» [ه - ه (a)]

نیگاری (ه - ه) بۆنیشان‌دانی بزوینی «سه‌ر» دانراوه، که‌هاوتای «زیر» / فتحه‌ی فارسییه. پروانه‌چه‌ند وشه‌یه‌کی هاوبه‌شی کوردی و فارسی و چۆنه‌تی نووسینان:

فارسی	کوردی
سَر	سەر
خَیران	خه‌یران
دَسْت	ده‌ست
بَهَار	به‌هار
کَمَر	که‌مه‌ر

نمونه:

ئاوای سپی کانیه
 وازم له مه‌شکه‌ی نییه
خه‌یرانم له‌مال نییه

(گورانی مه‌شکه‌ژه‌ندن)

هه‌رکئ کورپه‌م نه‌لاوینی
که‌ره‌ی به‌هار نه‌تاوینی
به‌سه‌ر نانا نیه‌ساوینی

(«لای لایه» ی کاتی بیشکه‌راژه‌ندن)

تا خان ئه‌رازی، له‌شکر ئه‌ترازی. (په‌ند)

کئ به‌سه‌ره‌رزی ژیا بئ تاوئ
 ژینی قالاوی به‌پووشیک ناوئ

(هه‌زار)

بۆ وردبوونه‌وه‌ی زیاتر لهم ده‌نگه، بـروانه به‌راوردی ئەم وشانه‌ی خواره‌وه:

که‌پ (kar) _____ کورپ (kuř)

شه‌پ (šar) _____ شوپ (šar)

گه‌پ (gar) _____ گپ (ger)

به‌سه‌رنجدانی ئەم وشه‌گه‌له، ده‌رده‌که‌وی که جیگورکی بزوینی سه‌ر (ه - ه) له‌گه‌ل بزوینی دیکه، مانای وشه‌که ده‌گورپ؛ لهم نموونانه‌دا بزوینی «سه‌ر» له‌گه‌ل بزوینی «واو» ی کورت (u)، «واو» ی کراوه (o) و «یا» ی کراوه (e)، گورپاوه و وشه‌یه‌کی جیاوازی دروست کردووه.

راهینان (ه):

«ناو» گه‌لی ژیره‌وه، به‌رینووسی کوردی بنووسنه‌وه:

أحمد ، سعید ، رشید ، چیمن ، سیامند ، سحر

بزوینی «ژیر» / «ی» ی کراوه [e / «ی»]

بزوینی (ی) گەرچی جیاوازی فونیتیکی له گهل بزوینی «ژیر» / کسره «ی» فارسیدا ههیه و له بزوینی «ژیر» ی فارسی درپژتر و کیشراوه تر دهوژری، به لام نزیکتین دهنگ به بزوینی «یا» ی کراوه ی کوردی، دهنگی «ژیر» ی فارسییه. (1) برواننه چوینه تی نووسینی ئەم وشانهی

1 - سهبارت به بزوینی «ژیر» ی کوردی؛ هندی ئالوژی و بیروپای جیاواز له ناو نووسهران و ئەدهبدوستانی کوردی ئیراندا ههیه. هندی له نووسهران دهقاوده ق «ی» ی کوردی و «ژیر» ی فارسی وهك بهك دادهئین و جیاوازی فونیتیکی نیوان دوو بزوینه که له بهرچاو ناگرن. هندی کیش به پیچه وانهوه، یه کسهر ئەم دوو بزوینه جیا له یهك و دوور له یه کتر دهزانن و پشان وایه بزوینی «ی» ی فارسی، هه مان بزوینی «یا» ی کراوه ی کوردییه و بو نمونه هندی وشه ی فارسی دینهوه، که له وادا ئالوگوری بزوینی «ی» ی فارسی به «ی» ی کوردی هاتوته دی؛ وهك وشه گه لی:

شیر (فارسی) šir → شیر (کوردی) šer

ایران (فارسی) ĩrān → ئیران (کوردی) ĩerān

له حالیکدا ئەم ئالوگوره، له دهرپیرن و بیژه (تلفظ) ی وشه گه لیکدا پیکدی که له زمانانی دیکه وه دینه ناو زمانی کوردی، یا به کوردی وهرده گیردین، یان وشه ی هاوبه شی نیوان فارسی و کوردین و به پپی فونیتیکی کوردی، بزوینی «ی» ی فارسی لهو وشانه دا ده بیته بزوینی «ی». لهم وهرگیرانی وشه یه له فارسییه وه بو کوردی، فونیتیکی وشه فارسییه که نا پاریزری و ته گهر بمانه وی بو نمونه، هه ر ئەو دوو وشه یه ی سهره وه (به پپی یاساکانی فونیتیک) بی وهرگیران و هه ر به بیژه (تلفظ) ی فارسی و به رینووسی کوردی بنووسین، به مجوره ده یاننووسینه وه:

ایران (فارسی) ĩrān → ئیران (کوردی) ĩerān

⇒ شیر (فارسی) šir → شیر (کوردی) šir

واته لێره‌دا دهرده که‌وی که ئەم بر‌وایه که تاراده‌یه‌کی زور سه‌لمینراوه، راست نییه. مامۆستا موحه‌ممده ته‌قی به‌هار ده‌لی: «... بزوینگه‌لی «یا» و «واو» ی نه‌ناسراو (مجھول)، پاشماوه‌ی «بزوین» گه‌لی ئەو‌یستاین ... هه‌ر ئیستا له‌ خو‌راسان و ئەفغانستان، وشه‌ی روز [rüz] به‌ شیوه‌ی رُز [roz] و دیر [dir] به‌ در [der] و خروس [xortüs] به‌ خُرس [xoros] و فروخت [forüxt] و سوخت [süxt] به‌ شیوه‌ی فُرخت [forox] و سُخت [soxt] ده‌بیژن ... به‌ هویه‌کی نادیاره‌وه، کورده‌ ئاری‌په‌گه‌زه‌کان، ده‌نگه‌گه‌لی تابه‌تی عه‌ره‌ب وه‌ک خودی عه‌ره‌به‌کان، له‌ وێژگه (واجگاه / مخرج) وه‌ ده‌بیژن، له‌ حالیکه‌ هه‌ندی وێژگه‌ی میژینه‌ی ئاریایش - که ئیرانییه‌کانی دیکه‌ له‌ بیریان بر‌دۆته‌وه - به‌ ته‌واوی و راست دهرده‌پرن و ئەمه‌ جیی سه‌رسو‌رمانه ... مامۆستا به‌هار دوو بزوینی «واو» و «یا» ی نه‌ناسراو، به‌ بزوینگه‌لی ونبوو و نه‌ناسراوی زمانی فارسی ده‌زانیت که له‌ زمانی کوردیدا پارێزراوه. هه‌روه‌ها ده‌لیت: «... «یا» ی نه‌ناسراو، «یا» یه‌کی تیره‌نبووه (بنی اشباع)، که ده‌نگی «ی» «کسه‌ه» ی هه‌بووه ... هه‌روه‌ک «یا» ی ئەسلی و هه‌ر به‌م هویه‌وه مامۆستاگه‌ل، [له‌ شه‌یردا] «یا» گه‌لی «نه‌ناسراو» یان له‌ گه‌ل «ئه‌لفی مه‌ماله» به‌ هاوقافیه‌ داناه ...» (بر‌وانه‌ بو: «سه‌بک شیناسی، به‌رگی یه‌که‌م، لاپه‌ره‌ی ١٩٣ تا ١٩٥ و لاپه‌ره‌ی ٨٥).

لێره‌دا پێویسته‌ بلین ئەگه‌ر به‌ وته‌ی مامۆستا به‌هار له‌ هه‌ندی شیوه‌زاری ناوچه‌یی، یان له‌ ئەو‌یستادا، بیژه‌ی «یا» ی نه‌ناسراوی فارسی (ی) له‌ گه‌ل ژیر (کسه‌ه) دا په‌کیک بن، مه‌ودای دهربرینی ژیری کوردی (e) ئەمرو، به‌قه‌د ژیری فارسی نییه، به‌لام ئیستاش ئەم دوو بزوینه‌ یه‌ کجار له‌ یه‌ک نزیکن.

بو به‌رپه‌رچه‌انه‌وه‌ی ئەو بر‌وایه‌ی که دوو بزوینی «ی» ی فارسی و «ی» ی کوردی به‌ هاوتا ده‌زانێ، پێویسته‌ سه‌رنجی وردتری وێژگه (شوینی دهربرینی ده‌نگه‌کان) و چو‌نیته‌ی حاله‌تی ئەندامگه‌لی پیکه‌نه‌زی ئەم دوو بزوینه‌ بده‌ین: له‌ کاتی دهربرینی بزوینی «ی» ی فارسیدا، مه‌ودای زمان و مه‌لاشووی نیوه‌ی مه‌ودایه‌ که له‌ کاتی دهربرینی بزوینی «ی» ی کوردیدا پیک دیته‌؛ به‌وجۆره‌ی که ئەگه‌ر به‌حاسته‌م ئەم مه‌ودایه‌ له

ژیره وه، که گوڤرینی بزویڤنیک له وشه یه کدا به بزویڤنی «ژیر»، چون جیاوازی مانایی دروست ده کا:

شیو → شیو دیو → دیو ژیر → ژیر

نمونه‌ی چهند وشه یه کی هاوبه‌شی کوردی و فارسی (یا فارسی)، به رینووسی کوردی:

مه‌ربان → مه‌ره‌بان شعر → شیعر به‌نهام → به‌نهام

نمونه:

کرماشان جینگای ته‌جدادی جینگای شیرین جیی فه‌ره‌ادی

تا مردن هه‌ر توّم له یادی

(حه‌سه‌ن زیره‌ك)

↳ گوتنی «ی» ی فارسیدا کهم بیته‌وه، ئینجا (consonant) یك به خشه و «گیر» هوه دروست ده‌بی، نه‌ك بزویڤ (vowel) ی «ی». مه‌ودای نیوان دوو ریزه ددانی سه‌روه و ژیره وه له کاتی ده‌برینی «ی» دا نزیک به ۵ میلیمتره، به‌لام له کاتی ده‌برینی «ی» ی فارسیدا ئەم مه‌ودایه، ۲ تا ۳ میلیمتره. به‌یپی ئەندازه‌ی ناوزار، بزویڤنی «ی» ی فارسی «به‌ستراو» و بزویڤنی «ی»، «نیوه‌ئاواله» یه. له کاتی ده‌برینی بزویڤنی «ی» ی فارسیدا، گوڤه‌ی لیو به‌ره و گوڤی ده‌کیشرین و «بلاو» ن، به‌لام لیوگه‌ل له کاتی ده‌برینی «ی» دا «نیوه‌بلاو» ن ...

(پروان بو: یدالله ثمره، آواشناسی زبان فارسی، ل ۱۰۵ - و D.N.Mackenzie,

Kurdish dialect studies - لاپه‌ره ۱۰ -).

له گه‌ل دووباره کردنه‌وه‌ی ئەوه‌ی که بیژی دوو بزویڤنی «ژیر» ی کوردی و فارسی ده‌قاوده‌ق وه‌ك یه‌ك نین و «ژیر» ی کوردی کیشره‌تره له «ژیر» ی فارسی؛ به‌لام له هه‌ندی شوینیشدا «ژیر» ی فارسی که بزویڤنیک «کورت» ه، ته‌ناهت له بزویڤنی «ی / ئی» (دریژی) فارسی کیشره‌تر ده‌ویژری؛ بو نمونه له دوو وشه‌ی [çešm] (چیشم) و [si.b] (سیب) دا دریژی هه‌ر دوو بزویڤنه که ۰/۱۷۰ سانیه (چرکه) یه ... (پروانه بو: آواشناسی زبان فارسی ... ل ۱۰۷).

نموونه‌ی چه‌ند وشه‌یه‌کی کوردی:

هێرو، کوستان، لادی، سیبه‌ر، لاری

نموونه‌ی ئەده‌بی:

دایه، شه‌وه و کچی لادی زامه‌کانم

کونه و گۆزه‌ی خویان پرکرد

له‌ رووباری قوولی ژانم...

(له‌تیف هه‌لمه‌ت)

نموونه‌ی چه‌ند زاراوه^(١)ی کوردی:

شه‌ کره‌سیو، فره‌ویژ، شیره‌ژن^(٢)

١ - له‌ دانانی هاومانای وشه‌ی «رۆنراو» و «دارپژراو»، له‌ زمانی کوردیدا هه‌روه‌ک زمانی ئینگلیزی گیر وگرفتیك هه‌یه، ئه‌ویش ئه‌مه‌یه‌ که چون idiom له‌ ئینگلیزیدا هه‌م مانای dialect (شیوه‌زار، له‌جه) ده‌ گریته‌وه‌ و مانای (اصطلاح) یش ده‌دا، له‌ کوردیشدا «زاراوه» هه‌م به‌مانای (شیوه‌زار، له‌جه) به‌ کار ده‌بری، هه‌م به‌ مانای (اصطلاح). جگه‌ له‌م دوو مانایه‌، وشه‌ی «زاراوه» له‌ لایه‌ن زمانه‌وانانی کورده‌وه‌ بو هه‌موو وشه‌گه‌لی ناساده‌ی کوردی وه‌ک «ناوی لیکدراو»، «ئاوه‌لناوی لیکدراو»، «ئاوه‌لناوی کارای لیکدراو»، «ئایدیوم» و... هتد، دانراوه. وشه‌ی «زاراوه» بو هه‌موو ئه‌م مه‌به‌ستانه‌ پر به‌ پێست نیه‌؛ به‌لام نه‌مویست وشه‌یه‌کی داتاشرای دیکه‌ی له‌ جیگه‌ دابنیم و هه‌مان «زاراوه» م بو ئه‌م چمکه‌ داناوه. (پروانه‌ بو: «زاراوه‌سازی»، مه‌سه‌وود موحه‌مه‌د، چاپی به‌غدا، کوپری زانیاری کورد).

٢ - وشه‌ دانیه‌ ساکاری هه‌موو زمانیکه. له‌ بنه‌رتدا، وشه‌ی ساده‌ و «ناو»ه‌کان؛ به‌ پێی واز و مه‌یلی یه‌ که‌م و پێه‌رانی ئه‌و زمانه‌ (بو جیه‌ جیکردنی پێداویستی ژبان و پێوه‌نده‌ کو مه‌لا یه‌ تیه‌ کانیان)، بوشتیک، یان کاهه‌ت و هه‌لومه‌رجیک... دانراون،

هه ندیکیشیان پیوهندیان به تاییه تمه ندییه کانی خودی شته که، ئامیره که، یان هه لومهرجه که وه نه بو و چمک (مفهوم) یکی «تجربیدی و انتزاعی» ن. ئه مجوره وشانه، له زماناندا ژماره یان زور نییه و به کهم و زیاد کردنی پیشگر و پاشگر و ناوگر ... وشه و زاراوهی دیکه یان لئی دروست ده بی و ویژه ر قسه یان پی ده کا و که سی تر له مه بهستی خوئی ده گه یه نی.

یه کیگ له بابه ته گرینگه کانی زمانی، چونیه تی که لک وهرگرتن لهم وشانه یه بودارشتنی زاراوه و وشه ی لیکدراو ... له لایهن خه لکی ئاسایه وه، دوایه ش دروست کردنی زاراوهی نوئی (به پیوانه ی ئه و یاسایانه ی، که به دریشزایی میژوو له زمانه که دا جیگیر بوون).

دارشتنی زاراوه، یه کیگه له ئه سه ته مترین و گرینگترین کاره کانی زمانه وانسی ... جواترین زاراوه گه لی زمانی کوردی، به ره مه ی کاری سروشتی و ئاسایی خه لکی ره شوکی و نه خوینده وارن و به پیوانه یه کی خو مالی و به هه وینی خودی زمانه که، دارپژراون، نهک له لایهن زانایانی زمانه وه. [سه دان زاراوه ی شیرینی وهک ئه م زاراوانه، زمانی کوردییان رازاوتنه وه: شوپره ژن (ناو و ئاوه لئاو)، سه وزه گیا (ناو و ئاوه لئاو)، ناسکه هه رمی (ناو و ئاوه لئاو)، ئاشبه تال (ناوی لیکدراو)، ده سه تچه ل (ناوی لیکدراو)، داره مه ییت (ناوی لیکدراو)، سی کوچکه (ناوی لیکدراو)، خه مره وین (ئاوه لئاوی کارا)، ده مه وانه (ناوی دارپژراو)، به ربه یاخی (ئاوه لکرداری دارپژراو)، پیخه ف (ئاوه لئاوی کارای لیکدراوی کورترکراو)، که له پیاو (ئاوه لئاو و ناو) ...]

هه رچه ند ئه مه به مانای له به رچاونه گرتنی هه ول و ته قالای جوان و به رزی زمانه وانانی کورد لهم بواره دا نییه، که به دارشتنی گه لی وشه ی به ری و جی بو که ره سه و ئامیر و هه لومهرجی نوئی کومه لایه تی؛ هه ولیان داوه بوده وه له مه ند کردن و پاراوه هیشه وه ی زمانی کوردی. به لام له دنیای ئه و رو دا، که له گه ل تپه رینی هه ر ساتیک ئالوگوریکی تیکنولوژی، زانستی، ئابووی ... روو ده دا، به تاینه ت به داهینان و دروستبوونی هه ر که ره سه یه کی نوئی، زاراوه یه کی نوئی له دایک ده بی و هه ندیکیش ده سه ت و پاوان و وشه و زاراوه ی پیوستی ئه و ئامیره ساز ده کرین ... هانتی ئه م که ره سه نه بو

راهینان (٦):

وشه‌گه‌لی ژیره‌وه که به ئەلفوویی فۆنیٹیک، یان به فارسی نووسراون،

به رینووسی کوردی بنووسنه‌وه:

په‌زاد، مه‌ر، شعر، sebar, šiLer, šer

→ ناوولاتیك وهك ئیران و ناو کورده‌واری، جگه له‌وهی وشه و زاراوه‌ی بیگانه و نامۆتیکه‌لی زمانی کوردی و فارسی و... ده‌کا؛ هه‌ندی جاریش دیاری ناله‌بار و بیانی فهره‌نگی له‌ته‌ك خویاندا دینن و زمان و فهره‌نگمان تووشی مه‌ترسی لاوازبوون و هه‌ره‌سه‌ینان ده‌که‌ن؛ بۆیه جیگه‌ی فهره‌نگستانیکی به‌ده‌سه‌لاتی کوردی زور خالییه و مه‌ترسی له‌ده‌ستچوونی ده‌سمایه و گه‌نجینه‌ی زمانی و فهره‌نگیمان یه‌ کجار گه‌وره‌یه.

بزوینگه‌لی

«او»ی کورت - «او»ی کراوه - «او»ی دریز

رینووسی کوردی، بو دیاری کردنی هندی کونسونانت و بزوین، تاقه‌نیگاریکی هاوبه‌ش، یان چند پیتی ویکچووی هه‌لیژارد، که ئەمه بوخوی مایه‌ی هندی گیروگرفته. بو فیژوونی باشتی رینووسی کوردی، وردبوونه‌وه له‌م بابته پیویسته. بو نمونه، له کوردیدا بزوینی «او»ی کورت (و / u) و کونسونانتی «و» (w) تاقه‌نیگاریکیان هه‌یه. پیش ئەوه‌ی راقه‌ی ئەم بزوینانه بکه‌ین، پروانه ئەم چند نمونه‌یه:

وه‌نه‌وز	شه‌واره	وه‌لام	وینه
wanawz	šawāra	waĻām	wena
کور	تور	خور	کورت
kuř	tur	xuř	kurt

١- «او»ی کراوه [o / «ۆ»]:

بزوینی «او»ی کراوه (ۆ)، نزیکترین ده‌نگه به «پیش»ی فارسی ... و «ضمه»ی سه‌ره‌تا و ناوه‌ندی وشه‌ی عه‌ره‌بی. بویه په‌نجه له‌سه‌ره‌ده‌نگی «بۆ»ی سه‌ره‌تا و ناوه‌ندی وشه‌ی عه‌ره‌بی داده‌نین چونکه به پیچه‌وانه‌ی

فارس زمانه کان؛ عه ره بگهل، «بۆر» ی ئاخری وشه، به کورتی و خیرایی نایژن (واته دهنگی o ی نییه . . .) وهك ده بیژن: «یه زهه بو» (یذهب). له فارسیدا ئەم وشه یه، نزیك بهم شیوه یه ده ویژری: «یه زهه بو». وهك ده بینین عه ره بگهل، «بۆر» ی ئاخری وشه، وهك «واو» ی کورتی کوردی ده ویژن، که خوی ده کشینی به ره و «واو» ی دریز: و ← وو. به لام له سه ره تای وشه، یان ناوهندی وشه دا؛ دهنگی بۆری عه ره ب، خیراتر و کورتتر و وهك واوی کراوه (o / و) دیته بیژ: (١)

بُعْدَ boʻda (دووورخرايه وه) - كَرَمَ kařoma (ریزی لی گیرا) - ضَرْبَ zoriba (لی درا) دهنگی «و»، له م نمونه کوردییانه دا ده بینین:
شۆره بی (šorabi)، شوخ (šox)، سۆل (sol)، روژگار (rožgār)

نمونه:

... شۆره بی که بۆته داری چاکی بی نه شه و شنه،

زه لکه گه رته یاری تیر و قۆشه نه ...

خۆشه ویسته که م!

له په نجه ره ی نیوه تاکی بوومه لیله وه،

چاوی من له دیمه نی کچی به یانییه؛

له هه نجه ره ی زه مانه وه،

١ - بزویپی «و» ی فارسی، «به ستراو» و «خر» ه؛ له حالیکدا بزویپی «و» ی کوردی، «نیوه ئاواله» و «نیوه خره». (پروانه بو په راویزی ل ١٣، ههروه ها: آواشناسی زبان فارسی، ل ١١٣ و | - D.N. Mackenzie, Kurdish dialect studies - ل ١١ -).

گویم له زه مزه مه‌ی زولالی خیزه ورده کانی کانیه.

(سواره ئیلخانی زاده)

... که‌ی وشه کان یاخی ده‌بن،

له بازاری بازرگانی؟ ...

که‌ی برینه کان گرده گرن؟

ده‌بنه سه‌ره تای گورانی؟ ...

(له تیف هه‌لمه‌ت)

... من له سایه‌ی ئەم ده‌ره نارۆم هه‌تا روژم نه‌یی

(حاجی قادری کویی)

۲- «واو»ی کورت [u / «و»]:

ئەم بزویئە، تایه‌تی زمانی کوردییه و له فارسیدا ناویژری. گەرچی نیگاری وی‌کچووی له گەل بزوینی «و»ی دریزی فارسی هه‌یه، به‌لام یه کی‌ک نین. بزوینی «واوی کورت» له‌نیوان بزوینی «واوی کراوه / و» و «واوی دریز / وو» دا دیته بیژ؛ وه‌ک وشه‌گه‌لی:

خوڤ (xūr)، گوڤ (gūr)، خوم (xum)، گوڤ (gūL)

چهند وشه‌یه کی وه‌ک «خورشید»ی فارسی، ئەم گریمانه‌ی لای هه‌ندی نووسەر دروست کردوو هه‌که ئەم بزویئە له‌مه‌وبه‌ر له فارسیدا بووه و ئیستا ناویژری، که‌ روالت و شکلی ئەم ده‌نگه‌ له نووسینی فارسی (له‌چهند وشه‌یه‌ک) دا پارێزراوه.

نموونه:

جام نا وه بان ران چاو سورمه‌ریز که‌رد

دووباره میل برد، قه‌تل په‌رویز که‌رد

(مام ستار - هوره‌ویژی ١٢٠ ساله، خه‌لکی ئاواپی «قاشوق» ی تیکاپ)

با ره‌شه با فری بدا ته‌وری ژه‌نگن،

نیرگزیك ده‌یه‌وی بروی.

تفه‌نگه‌کان، با ییده‌نگ بن،

مندالیک ده‌یه‌وی بنوی.

چی قه‌یسه‌ر و پاشا هه‌یه با‌گویی بگرن،

شاعیریك ده‌یه‌وی بدوی

ئه‌وه‌ی نه‌توانی بیی

به‌گول بو په‌رچه‌می کچی؛

به‌پی زورداراندا بچی ...!

(له‌تیف هه‌لمه‌ت)

٣- «واو» ی دریژ [ü / «وو»] :

له‌لایه‌ن زوربه‌ی نووسه‌رانی کورده‌وه، نیگاری دو «واو» (وو) بو

نیشان‌دانی بزوینی «واوی دریژ» به‌کارده‌بری. (١)

١ - له‌راستیدا دانانی دووپیت بویه‌ك ده‌نگ له‌زمانیکی فونیمی وه‌ك كوردیدا

له‌باری زانستییه‌وه، راست نییه و ئه‌مه جیاله‌وه‌ی رینووس له‌باری ستاتیک

(جوانکاری) یه‌وه لاواز ده‌كا، به‌پچه‌وانه‌ی یاسا‌کانی رینووسی زمانیکی وه‌ك

وهك وشه گهلی: سووك (sük)، هوون (hün)، سوور (sür)، سنوور (sinür)
 سهبارت به بزوینی «واوی دریژ»ی ئاخری وشه، ههنديك لهسه ر ئه و
 پروایهن، چونكه دوايين دهنگه و به روالهت، كورتر له واوی دريژ
 ده ويژری، ده بی به یهك واو بنووسری؛ به لام ره چاوکردنی ئه م بوچوونه
 به مانای گوپینی بزوینی «واوی دريژه» له گهل «واوی كورت» دا و ههلهی
 رینووسییه. (۱)

نمونه:

سهری، وه كوو هوژراوه یهك،
 هیدی هیدی، لار کرده وه؛
 منیش، شانم وهك دهفته ری
تامه زرو بوو

→ کوردییه، که (به گشتی) بوهر فونیم (phoneme) یك یهك نیگاری داناوه. ماموستا
 هه ژار نیگاری «و»ی له جیی «وو» داناوه، ههروهها «کوپی زانیاری کورد»، نیگاری
 «و»ی بوئهم دهنگه پهسه ند کرد و به کاری هینا؛ که ئه گهر له باری ستاتیکی و ههندی
 لایه نی وهك تیکه لبوونی له گهل «فتحه»ی عه ره بیدا، به جوان نه زانرابی؛ له روانگه ی
 زانستی زمانه وانیه وه راست و ره وایه. به مجورهش له بهر نه شیواندنی پتری مه پدانی
 تازه روو له گه شه ی نووسینی کوردی له ئیران، [تاكو هه ولیکی سه رکه وتوو له
 ریگه ی پیکه پینانی زمانیکی ئه ده بی یه کگرتوودا] باشتره قه له مبه دهستان له
 نووسینه کانیاندا بو هاوده نگی فره تر بزوینی «واوی دريژ» هه ر به دو «واو» بنووسن.
 ۱- له کتیه سه ره تاییه کانی فارسیدا، بو ساده کردنه وه ی تیگه یشتن و فیروبوونی
 قوتاپیان، کاتی شیکردنه وه ی دهنگی «و»، بیتگه لی «او» له جیی دانراوه. «اوو» خو ی له
 دووده نگی هه مزه [ئ] + «وو» پیکه هاتوو و دانانی ئه م نیگاره له جیی «وو» راست
 نییه.

هه‌لبه‌ستیکى بێته سه‌رى!

خه‌و برديه‌وه

تا به‌يانى خه‌و برديه‌وه ...

(عه‌بدوللا په‌شيو)

وه تـفـهـنگى بـرـنـه‌و ئاھوو له‌كه‌ل وڤ

پـيـكـيا گـم وه‌ده‌س غه‌زاله‌ى كه‌لوڤ

(فولكلور)

ئىستا بروانه جياوازى مانايى ته‌م وشه‌گه‌له، كه‌ به‌گوڤرېنى تاكه‌ ده‌نگيك

(له‌و بزوينانه‌ى سه‌ره‌وه) له‌ وشه‌دا پيک ديت:

مانا	فونيتيک	وشه
ناتيژ	kuL	کول
ئاوه‌خوره‌ى ئاژه‌ل، كه‌ له‌دار، يان به‌رد و قور دروست ده‌كرى	koL	کۆل
ته‌شتى نانكاران، غار	küL	کوول
مروڤ (مندال)ى نيڤرینه	kuř	کور
کۆبوونه‌وه، ئه‌نجومه‌ن، ده‌سته ...	koř	کۆر
پشت‌کۆم	küř	کۆور
که‌وو، که‌وگ، ره‌نگى شينى ئامال سېپى	boz	بۆز
لووان، هه‌لکه‌وتن	büz	بووز

راهینان (۷):

۱- کام وشه هاومانای «گُل» ی فارسییه؟

(ئا) گَل (ب) گۆل (پ) گول (ت) گۆل

۲- شوینی خالی ئەم رسته یه به یه کۆ له وشه گه لی ژیره وه پربکه نه وه:

رهنگی خوین . . . ه.

(ئا) سوور (ب) سور (پ) سوور (ت) سوۆر

۳- بزوینی (و) ی کورت له کام وشه دایه، دهستیشانی کهن:

(ئا) خور (ب) خۆر (پ) شوول (ت) روۆر

بزوینگه لی «(ی) i- و «ا» ä) و کورته بزوینی «(i)»

لیره دا باسی بزوینگه لی «یا» ی ئاسایی [i] و «کورته بزوینی ä» و بزوینی «ا» (ä) ده که یه بیانووی به سه رکردنه وه ی به یتى کوردی و روانینیکی تر بو فۆلکلۆر:

ئه وه ی دلسۆزانی فه رهنگی کورد، له ئیراندا ده خاته په ژاره وه؛ خه می خه ریکبوونی زۆربه ی هوگرانی ئه ده به، به ته نیا لایه نیکی ئه ده بی کوردیه وه، وه ک چالاکی هه ر له مهیدانی شیعی کلاسیکی، یان ته نیا فۆلکلۆر، چیرۆک و بابته تی دیکه؛ که لای زۆربه مان ئه و لایه نه شیعه ره. راسته که شیعر، زیاتر له هه موو به شیکی ئه ده ب و چالاکی فه رهنگی،

کسپه له هه‌ناو دینێ و خورپه ده‌خاته دلانه‌وه و هه‌ست بزوینه؛ به‌لام ته‌گه‌ر
بیین هه‌ندی به‌رفره‌وانتر بر‌وانینه ته‌رکه فره‌پووست و چالاکیه
سه‌ره‌کیه‌کانی ئیستامان، ده‌بینین که ده‌توانین وێرایی خه‌ریکبوون به
شیعره‌وه؛ له هه‌ندی مه‌یدانی دیکه‌ی وه‌ک چیرۆک و لیکۆلینه‌وه و
فۆلکلۆردا که کاری که‌متریان له‌سه‌ر کراوه، ته‌قالا بده‌ین.

به‌گشتی کاری کو‌کردنه‌وه‌ی میرات و که‌له‌پوور و فره‌هه‌نگی
نه‌ته‌وایه‌تیمان له‌زۆربه‌ی ناوچه کوردنشینه‌کانی ئێراندا ته‌وه‌نده که‌م
کراوه، که شه‌ونمی‌که له‌چاو ده‌ریا...

له‌زۆربه‌ی ناوچه‌کاندا؛ بو‌کو‌کردنه‌وه‌ی ری‌وپه‌سمی جو‌راو‌جو‌ر و
پێوه‌ندییه‌ کو‌مه‌لایه‌تییه‌کانی پێشوومان، شیعر و هه‌نراوه‌ی ناو‌شایی
وشیوه‌ن، کاتی دروینه و مه‌شکه‌ژاندن، مندال لاوانده‌وه و لبادکوتان،
هه‌وره و لاوک... رووداوه میژوویه‌کان، ناسین و ناساندنی شاعیر و
هونه‌رمه‌ند و نووسه‌رانی پێشوومان و ده‌یان بابته‌ی دیکه؛ که بنه‌مای
فه‌ره‌هه‌نگ و زمانه‌که‌مان، کاریکی ته‌وتۆنه‌ کراوه.

خوانه‌ خواسته‌ نامانه‌وی ته‌و کارانه‌ی کراوه، بیبایه‌خ بکه‌ین؛ به‌لام
(بو‌نموونه) که‌س نازانی چه‌ند به‌یت و مه‌نزومه‌ی کوردی فه‌وتاون...
ئێستاش به‌مردنی هه‌ر پیره‌پیاو و پیریژنی‌ک، گه‌لی‌وشه و زاراوه و چیرۆک
و په‌ند و مه‌ته‌لی... کوردی ده‌چه‌ ژیر گه‌له‌وه و به‌شیک له‌که‌ره‌سه‌ی
ره‌سه‌نی نووسه‌ر و شاعیر و هونه‌رمه‌ندی کورد، روو له‌فه‌وتانیکی
هه‌میشه‌یه. ته‌رکی گه‌وره‌ی هه‌موو قه‌له‌مبه‌ده‌ستی‌که؛ جوامیرانه‌ قو‌لی
هیممه‌تی لی هه‌لمالی و هه‌رکه‌س له‌ئاست خویدا هه‌ول بدا بو‌کو‌کردنه‌وه

و پاراستنی ئەم که له پووره ...

بهیتی کوردی، به کیکه له سه رچاوه کانی هه ره ره سه ن و دیرینی کورده واری که هم پره له وشه ی ره سه ن و ساده و ساکار و شیرینی کوردی و هم گه لێ رووداوه ی میژوویی و به سه رها ت و ری و پره سم و خووخده ی کورده واری و بیرو پای ئایینی و فه ره نگی کوردی له خویدا پاراستوو، که سه ر چاوه یه کی به پیزه بۆ لیکۆ لینه وه ی جوړا و جوړ و هه وینیکی باشه بۆ خو لقاندنی به ره مه می هونه ری ...

بزوینی «ی»:

بزوینی «ی» (i) کوردی و فارسی وه که یه که ده نووسرین و بیژه (تلفظ) یان وینه ی یه که، وه که له م نمو وانه دا ده بینین:

فارسی	کوردی
ژیلا	ژیلا
تیر	تیر
سینا	سینا
ایمان	ئیمان

له هه ندی وشه دا ئەم ده نگه کیشر او ه تر ده و بیژری و هه ست به هه بوونی بزوینیکی در بیژتر له بزوینی «ی» ده کری؛ به لام کورت ده رب رین، یان کیشانی ئەم بزوینه، هیچ مانا گو ر کییه که له وشه دا پیک ناهینی و پیویست

ناکا وهك هه‌ندی نووسهر «ی»ی درپژ به دوو «ی» بنووسین. بۆنموونه،
 وشه‌ی «پیر» ته‌گهر به دوو «یا» بنووسین (پیر)، جیاوازیه‌کی مانایی تیدا
 به‌دی نایه‌ت. [گهرچی ره‌نگه له بوازی دیکه‌وه (وهك ورده‌کاری
 فۆنیٹیک) دیاریکردنی ته‌م ده‌نگانه، به‌قازانج و پۆیست بی‌ت؛ به‌لام
 به‌گشتی ته‌م دیاریکردنه، ته‌رکیکی جیاوازی ریزمان و زمانه‌وانیه و ته‌گهر
 له رینووسدا په‌پره‌وی بکری، ده‌بیته‌هوی قورسکردنی پتری نووسینی
 کوردی.] (١)

نموونه:

سه‌د وه‌ستم ده‌وی، له پایه‌هرزی | دووسه‌د شاگرد بی بۆ خوی و
 ده‌رزی | کراس بدروی له گۆلووکی ره‌زی | له‌به‌ژنی یارم بۆ خوی بله‌رزی
 سه‌د وه‌ستم ده‌وی له بانی کۆیه | هه‌شتا له مووسلی، شپست له شنویه |
 کراس بدروون له گۆلی لیمویه ده‌بلا ته‌نک بی | ناسک و شلک بی | بۆچاو
 هه‌لویه ... (به‌یتی خه‌زیم)

کورت‌ه‌بزوینی (i):

گهرچی باسی ته‌م کورته‌ بزوینه له بنه‌ره‌تدا سه‌باره‌ت به‌یه‌کی له

١ - کاتی نیکاری ده‌نگی دیکه‌ی وشه‌ش بگۆردی، ته‌م بزوینه هه‌ر به‌ شیوه‌ی
 خوی ده‌مینیه‌وه؛ مه‌گهر ته‌وه‌ی که له هه‌ندی وشه‌دا به‌پیی فۆنیٹیکی تایه‌تی زمانی
 کوردی، بزوینی «ی»ی فارسی بیته «ی» [«یا»ی کراوه، وه‌ک: بیکس (فارسی) -
 بیکه‌س (کوردی)].

گیروگرفته کانی رینووسی کوردییه و شیکردنه وهی تایبه تی و چاره سه رکردنی
 بنه رتهی دهوی؛ به لام چونکه له م به شانه شدا که پیشکش کراون؛ به پیی
 پیداویستی؛ ئەم دەنگه مان دەستیشان کردوو؛ لیره دا به کورتی لیی
 ده دویین:

له رینووسی کوردی [به «ئەلفوویی عەرەبی»] دا، ئەم دەنگه دیاری
 نه کراوه. ئەم بزوینه کورتتره له بزوینی «ی» و دەنگیکه وهك «كسره
 مختلسه» ی عەرەبی. پروانه نووسینی فونیتیکی ئەم چەند وشە کوردییه:

مەزن (mazin)، گەر (gîr)، شنه (šina)، من (min)

گۆرینی ئەم بزوینه به بزوینی دیکه، وهك له ژیره وه دەبینین،
 مانا گۆرکی پیک دینی:

کەر	_____	کەر
شەر	_____	شەر
گەر	_____	گەر

ههروهها دانەنانی ئەم بزوینه له وشە ویکچووہ کاند، هەندی جار
 دەبیته هوێ مانا گۆرکی، یان شیواندنی مانا:

مانا	فوئیتیک	وشه
پشتوین	šīnik	شینک
شینکایی، سه‌وزه‌لانی	šīnk	شینک
چۆلگه، سارا	dašt	ده‌شت
ده‌یشورد (جلی ده‌شت)	dašit	ده‌شت
ئه‌منییته، «ئیس‌تخبارات»	žamn	ئه‌من
من	žamin	ئه‌من
مانگی ئاسمان	māng	مانگ
ماندوو	mānig	مانگ
نووست	xawt	خه‌وت
خه‌وی تۆ	xawit	خه‌وت

نمونه:

«... لاسه! ئه‌و په‌رچه‌مانه‌م بۆ تۆ په‌روه‌رده‌ کردوون هه‌روه‌ک
 ئاوریشمی دووکانی، ئه‌من ئه‌و هه‌نیه‌م بۆ تۆ نینگاداشتی کردوو، هه‌زار و
 چه‌وسه‌د مه‌لایکه‌تی جله‌وکیشه، وه‌ک مانگی مونه‌وه‌ر وایه، شه‌وقی
 داوه‌ته‌ عه‌رزو ئاسمانی...»

(به‌یتی لاس و خه‌زال)

بزوینی «ا» (ä):

بیژه‌ی بزوینی «ا» وه‌ک بزوینی «ا»ی فارسییه‌ که له‌م و شانهدا ده‌بینین:
 زۆزان، شه‌مال، باران، وه‌ستا، نیشتمان، مامۆستا

نمونه:

دمدم بهردیکی شینه | چوارزستان و پینج هاوینه | تییداخانی
 له پزیرینه | زه فرمان پی نه بردینه.

دمدم بهردی له بهردی | لیبی دهن به تویی نه بهردی | تا روژی مهردی
ونامهردی.
 (بهیتی دمدم)

«ئەزموون»

راھینان (۸):

کامیان هه‌له‌یه راستی بکه‌نه‌وه:

تاریفی به‌ه‌وو، له زه‌می پشته‌مله خراپ‌تره.

خه‌لکی به‌رق ئه‌یگری، من چرامووشی.

قه‌لاکه‌م روخا پال به‌م به‌کویوه.

دل‌داری خوشه‌ له هه‌ر دوو سه‌ر بی

نک من بسووتیم ئه‌و بیخه‌به‌ر بی.

گه‌وه‌ری ده‌ریا به‌ دایم وا له ژیر خاشاکه‌وه. (قانیخ)

بی‌به‌رگییه عیله‌ت که هه‌تیو مه‌یلی هه‌تاوه. (نالی)

که‌له‌که‌ی چه‌پم کون بو لیوآل به‌ مست لیی داوه.

(فولکۆر)

گا ده‌سووتیم گا ده‌گریه‌م غه‌رقی ئاو و ئاورم

ئاخ له‌به‌ر به‌ختی سیا! نازانم ئه‌ز بوچ نامرم

(له‌گۆرانییه‌کی هونه‌رمه‌ند «موحه‌مه‌دی ماملی» - شیعری وه‌فایی)

راهینان (۹):

لهجیی پیته نه نووسراوه کان، که به نیشانه ی (...) دیاری کراون، بزویینی پیویست دابنن:

							...	و	ش	...	ن	ا	و	...	ش		
								ن	ا	د	ن	...	ب	...	ر		
								ز	ر	ه	ب	...	ل	...	ب		
									ی	ب	...	گ	ن	...	ش		
								...	م	ر	ه	ه	...	ك	س	ا	ن

راهینان (۱۰):

بنووسن: (۱)

به‌هار، دهشت، سه‌ر، سه‌پروسه‌مه‌ره، قازی که‌وسه‌ر، میهره‌بان، تیکرا، زیویه، شیخ نافع، شوره‌بی، نه‌که‌روز، ئارام، ئاسه‌وار، شاهو، ئیلاخ، عه‌بدوللا ناهید، گولستان، مه‌له‌کولکه‌لام مه‌جدی، گولبه‌دهم، شوره‌سوار، بوره‌بیاو، نوره‌ئاو، گوزه، ته‌متوومان، سووره‌گول، په‌پووله، که‌ره‌فتوو، بزاق، راقه، گفقه، گه‌ل، گل، گل، گول، گول، گول، گول، کور، کور، کوور، کور، کور.

زیویه، ته‌خت سلیمان و که‌ره‌فتوو؛ چه‌ند شوینه‌واری میژووین، که‌ نیشاندهری ره‌سه‌نبوون و ریشه‌داربوونی فه‌ره‌نگی دانیشتوانی ئەم ناوچه‌یه‌ن و مایه‌ی شانازی ئیمه‌ن.

ئەو نۆنه‌مامه‌ی دل له‌لا گیره
په‌لکه‌ی خه‌یاته‌ی لؤلوی زنجیره
خال چون هه‌ساره‌ی عاسمانیگیره
گۆنا چون خواردن گ (۲) شا و وه‌زیره
وه‌نه‌وشه‌ی نه‌سیم ده‌زگای کشمیره
دل تا وه‌ مردن بوی پیاوانگیره

(مه‌نزوومه‌ی وه‌نه‌وش و به‌ره‌زا)

۱ - بو نووسینی ئەم ئه‌رکانه، پيوسته وشه و رسته كان، له لایه‌ن كه‌سیکی دیکه‌وه بخوینرێته‌وه، نه‌ك روونووس بکری.

۲ - «گ»: کور تکراره‌ی گشت؛ هه‌موو.

گیره (تشدید)

له زمانی کوردیدا که م وشه مان هه یه که گیره ی هه بی. بو نووسینی ئه و وشانه و وشه ی زمانه کانی دیکه، که گیره یان هه یه و به کوردی ده نووسرین؛ به جیی دانانی نیشانه ی گیره ی فارسی و عه ره بی (س)، ده نگی گیره دار دوو باره ده نووسرته وه؛ وهك:

بِقْقه، زلله، عه بدوللا، شه دده، موحه ممه د، میلله ت، میلی، گولله
 زور نووسه ریش به پیوانه ی فوئیتیکی زمانی کوردی، که خو ی دوور ده خاته وه له «گیره»، له نووسینی هه ندی وشه دا، ده نگه «گیره دار» ه که بی دوو باره بوونه وه ده نووسن؛ وهك: محیدین، نه جمه دین، عیزه ت.

راهینان (۱۱):

وشه گه لی ژیره وه به کوردی بنووسن:

صلاح الدین، سیف الله، رحمت الله، عباس، نجار، بتا

بهشی سیهه م

چه ند گیر و گرفتیکه رینووسی کوردی و
ههنگاویک به ره هوزمانی یه کگرتوو

له م به شه دا هه ولى ته وه دراوه، باسى هه ندى گير وگرتى رينوسى
 كوردى بكرى. ته م باسانه، بابه تىكى جىي ليكولينه وهى زانستى قوول و
 هه مه لايه نهن و شانى ته م كتيبه شايانى هه لگرتنى ته و باره قورسه نيه؛ به لام
 هه رچى ويستم خو مى لى لادهم، وهك پويستيه كى گرینگ ناچار بووم
 [هه رچه ند به كورتى]، چه ند خاليكى سه ره كى و بنه رته تى ته م باسه
 بخه مه روو و كورته يهك له ئاكامى هه ندى ليكولينه وه له م بواردده دا
 پيشكه ش بكه م. ته م هه و و ته قه لايانه، فره تر له لايه ن نووسه رانى كوردى
 ئىراقه وه دراوه و له م بواردده دا بيروپراى «دوكتور عه بدوره حماني حاجى
 مارف» م كردو ته بنه ما و پشتيوان، سيه رى بو چوونى ته و به ئاشكرابى
 به سه ر هه موو نووسراوه كه دا و به تايه تى ته م به شه ي دو اييدا دياره.

(ده) ي سه ره تاي «كردار» ي «حال» (مضارع)

له كاتيكد كه زور به ي قه له مبه ده ستانى كورد، هه ولى ته وه ده ده ن كه له
 وشه گه لى شيريني زاراوه جوړاو جوړه كاني كوردى كه لك وه رگرن، له
 هه ندى ناوچه دا، به شيك له نووسه ران بو هه موو مه سه له يه كى نووسين،
 له سه ر زاراوه ي ناوچه ي خو يان پى داده رگرن و به پى ئاخاوتنى بنه ماله و
 شار و ناوچه ي خو يان ده نووسن. يه كيك له م بو. چوونه ده مارگيريانه،
 نووسيني سه ره تاي «كردار» ي «حال»، به «ئه» يه. له ژيره وه چه ند خاليك

له سەر راست بوونی به کارهینانی «ده» ی سهره تای کرداری حال ده سنینشان ده که یین:

(۱) به کارهینانی «ده» له ئاخاوتنی کورد و له زمانی ئه ده بیدا، ره سه نتره له به کارهینانی «ئه» و له ئه سلدا هه مان «ده» ی سهره تای «کردار» ی «حال» له هندی ناوچه دا، به پپی ئالوگۆری فونیتیکی ... بووه ته «ئه». ئه م ئالوگۆره به ره به ره ره خنه ی کردۆته نووسینی روژنامه کان و به ره هه می نوو سه رانه وه؛ که یه که م نیشانه کانی له کوردستانی ئیراق له روژنامه ی «تیکه یشتنی راستی» دا ده بینین. له ژماره کانی سهره تای ئه م روژنامه یه دا [که سالانی دوای شه ری یه که می جیهانی له سلیمانی چاپ ده بوو] زۆربه ی نزیک به ته واوی کرداری حال به «ده» وه ده ست پی ده کا و به ره به ره له ژماره کانی دواییدا «ئه» فره تر ده پی ... (۱)

به چاوخشاندنیک به میژووی شیعر و ئه ده بی کوردیدا ده بینین که شاعیرانی میژینه مان وه ئک «نالی»، ههر «ده» یان به کاربردوه؛ دوای «نالی» له شیعره کانی «مه حوی» دا هندی جار «ئه» ده بینین، به لام زۆربه ی کرداری حال له شیعی «مه حوی» شدا ههر به «ده» وه ده ست پی ده که ن. دوایه له شیعی «زیوه» دا فره تر «ئه» ده بینین و کاتی ده پروانینه شیعی «فایه ق بیکه س»، یه که سه ر «ئه» ی به کاربردوه. (۲)

۱- پروانه بو «رینووسی کوردی به ئه لفوویی عه ره بی»، دوکتور عه بدوره حمانی حاجی ماریف، ۱۹۸۶، چاپی «ئه مینداریتی گشتی روشنیری و لاوانی کوردستان»، ل ۱۱۹ تا ۱۲۱.

۲- سه رچاوه ی ناوبراو - ل ۱۱۹.

له فولکلۆرى ئەو ناوچانه‌ی که ئیستا له ئاخوا تندا «ئه» به کار دین، ئەم مه‌سه‌له‌ی ئالوگۆرپه و هه‌روه‌ها ره‌سه‌نایه‌تی «ده» به روونی ده‌بینی، بو نمونه له ناوچه‌ی سه‌قزدا: ئەندازیار «سالم»ی کورپی دوکتور میکایلی په‌رهامی له ساله‌کانی نیوان ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ ی گه‌تاوی، هه‌ندی گۆرانی فولکلۆری و شیعی ناوچه‌ی سه‌قزی کو کردوته‌وه، که بنکه‌ی ئیبتیکار چاپی کردوه. (۱) له‌م نامیلکه‌یه‌دا (۲۹) «کرداری حال» هه‌یه، که (۲۶) یان به «ده» وه ده‌ست پێ کران و ته‌نیا (۳) کرداریان به «ئه» وه ده‌ست پێ کراوه. ئەمرو زۆربه‌ی ئەم گۆرانی و دێره‌شێعه فولکلۆریانه له ناوچه‌ی سه‌قزدا ماونه‌ته‌وه و له شای و هه‌له‌په‌رکی ... دا ده‌خوینرین، به‌لام ده‌توانین ب‌لین زۆربه‌ی تریک به هه‌مووی کرداری حالی ئەم شیعرانه به «ئه» وه ده‌ویژرین. به‌ناوه‌روکی ئەم گۆرانیانه‌دا و به‌ناوی شوین و جینگه‌کانی ناو شیعه‌کاناندا، دیاره‌که تایه‌ت به‌م ناوچه‌یه‌ بوون و ئەگه‌ریش وه‌ک گۆرانی دیکه له ناوچه‌ی تریش خویندرا‌بتن، وه‌ک ئیستا ده‌بینن به‌پێ شیوه‌زاری ناوچه‌یی ئالوگۆری فونیتیکی له‌م گۆرانیانه‌دا رووده‌دات. له‌په‌نا ئەم گۆرانییه فولکلۆریانه‌دا که به‌لگه‌یه‌کی پراپیکران، ده‌بینن له هه‌ندی ئاوابی ده‌ورو به‌ری «سه‌قز» (بۆ نمونه زۆر ئاوابی سه‌رشیو)، کرداری حال به «ده» وه به‌کارده‌به‌ن. دیاره

۱ - فوتۆی ئەم گۆرانیانه، له‌شیوه‌ی نامیلکه‌یه‌کدا، له‌لایه‌ن ئاغای «جه‌لال جیحازی» یه‌وه پێشکه‌ش کراوه به هونه‌رمه‌ندی سه‌قزی «کاک ره‌سوول میرزاپوور». ئەم نامیلکه‌یه ۱۸ گۆرانی فولکلۆری (سه‌رجه‌م ۳۰۳ نیودێره‌شێعه) یه‌که به‌فارسیش وه‌ریگێراوه‌ته‌وه و شیعیکی «میسباح» یشی له‌گه‌ل چاپ کردوه، که کراوه‌ته گۆرانی.

ماوه یه کی (نه فره دوور له ئیستا) خه لکی سه قز، له ئاخاوتنیاندا «ده» یان به کارهیناوه و به ره به ره ئەم «ده» یه بووه ته «ئه».

۲) هندی کهس ئەم جوړه گوړانه، به دیارده یه کی سروشتی شارستانی و رهوتی ئاسایی زمان داده نین که هه تا دی به ره و شیرین بوون و ساده بوونه وه و لیک و لووس بوون دهرۆن و وشه کانی هه موو زمانیکی زیندووی دنیا روژله گه ل پوژ فره تر بهر بر به ندی ساوینه وه ده که ون؛ به لام ته گهر سه رده میکیش له داها توودا هه بی که کوړیکی ده سه لانداری ئەم بریاره له سه ر ئەم مه سه له و مه سه له گشتیه کانی دیکه بدات، ئیستا که یه کگیر بوونی نوو سه ران بو قایم کردنی هه نگاوه کان به ره و زمانیکی یه کگر تووی ئە ده بی له هه موو شت پیویست تره، هه ره ها هه ره ئە وه نده ی که ئاخاوتنی زوړ به ی ناوچه کوردنشینه کان (له کرداری زه ماننی حالدا) به «ده» وه ده ست پی ده کا و زوړ به ی نوو سه رانی کوردی دنیا به م جوړه ده نووسن، خوئی به لگه یه کی حاشاه لئه گره بو ئە وه ی هه موو قه له مبه ده ستان «ده» به کارینن. دیاره باسی هندی و توویژی ناو چیرۆک و بابته تی فولکلوری له م بو چوونه به دوورن و بو پاراستنی تاییه تمه ندی ئاخاوتنی ناوچه کان، یان به پی پیویستی چیرۆکیک . . . ده بی «ئه» به کارینن. هه ره ها له شیعر، یان په خشانیکی ئە ده بیدا، جاری وایه «ئه» له گه ل قه واره ی رسته که، یان ئاهه نگ و موسیقای شیعره که دا . . . یه که ده که وئی و له باری جوانییه وه، «ئه» له سه ر زار خو شتره و نوو سه ری به توانا ده توانی له م ئیمکانه جوانه ی زمانی کوردی بو جوانتر کردنی نوو سینه که ی که لکی باش وه رگری.

بزوینی «یا»ی دریز و دوو «یا»

هه‌روه‌ك له لاپه‌ره‌ی (۷۵) دا باس‌كرا، له هه‌ندی نووسراوه‌دا ده‌بینین «یا»ی دریز، له وشه‌گه‌لیك وه‌ك «شیر، پیر، هه‌نجیر...» به دوو «یا» ده‌نووسرین [شیر، پیر، هه‌نجیر...]. دیاره‌كه مه‌ودای ده‌رپرین (امتداد صوتی)ی ئەم ده‌نگی «یا»یه، فره‌تر و دریز‌تره له مه‌ودای ده‌رپرینی «یا»ی وشه‌گه‌لی وه‌ك (ئیمان، دیتن، بچین...). به‌لام‌چ له وشه‌گه‌لی ده‌سته‌ی یه‌كه‌مدا، «یا»كان خیرا ده‌رپرین، چ «یا»ی وشه‌گه‌لی ده‌سته‌ی دووهم دریز ده‌رپرین، هیچ جووره‌ماناگور‌کیه‌ك له وشه‌كاندا پیک‌نایه‌ت و ئەمه به‌لگه‌نه‌ویسته‌كه «یا»ی دریز له کوردیدا فونیم‌نیه و پیوست‌ناکا له نووسینی ئەده‌بیدا به دوو «یا»، یان هه‌ر نیگارێکی دیکه‌نیشانی بده‌ین.

فونیمه‌كان به‌هوی تایبه‌تمه‌ندی ده‌نگ و فونیمی پاش و پیش‌خویان، ره‌نگه‌به‌ده‌یان شیوه‌بو‌یزرین و ده‌رپرین؛ هه‌روه‌ها ره‌نگه‌مه‌ودای ده‌رپرینی بزوینیك، به‌هوی کارتی‌کردنی ده‌نگی پاش و پیش‌خویه‌وه له وشه‌گه‌لی جیاوازدا، جو‌راو‌جو‌ر بی. ئەم جووره‌نموونه‌جیاوازانه له یه‌ك تا‌كه‌ده‌نگ، به‌شیوه‌فونیم (واجگونه) ناو ده‌برین، بۆنموونه‌ده‌نگی «ك» ئە‌گه‌ر له پیش «ی» دا‌ییت، له بیژدا جیاوازه له هه‌مان ده‌نگی «ك»ی پیش «ه»: [کیو → که‌ر].

له هه‌ندی‌حاله‌تی دیکه‌دا، وشه‌ی وه‌ك: کوردی، شانازی، زمانه‌وانی و... ده‌بینین، که بری‌که‌س به‌لگه‌ی سه‌روه‌وه بۆ ئەم بابته‌ش دیننه‌وه و

له گه‌ل دوو «یا» ی ناوبراو تیکه‌لی ده کهن و نووسینی ئەم وشه گه‌له به دو «یا» به هه‌له ده‌زانن. هه‌ندی که‌سی دیکه‌ش ده‌لین ئەم وشه گه‌له له (ناو + «ی» ی نسبت) ساز بووه و بووینه (کورد + ی) وشه‌ی «کوردی» سازده کا و هه‌له‌یه که به دوو «یا» بنووسری. له زۆربه‌ی نووسراوه‌کانی کوردی ئیراندا ئەم شیوازه ره‌چاو ده‌کری؛ به‌لام پیم وایه یه‌کیک له‌ ئەرکه‌ گرینگه‌کانی رینووس، ساده‌کردنه‌وه‌ی «نووسین» بو‌نووسهر و «خویندنه‌وه» بو‌خوینهره و له‌ زۆربه‌ی رسته‌کاندا نه‌نووسینی دوو «یا» له «ناوی چاوگ»، یان «ناوی واتا» دا ده‌بیته‌ هو‌ی دره‌نگ خویندنه‌وه و تیکه‌لبوونی مانای له‌گه‌ل وشه‌ی دیکه. ئە‌گەر «ی» ی ئاخری وشه، «یا» ی «ئیزافه» بی، دیاره‌ ده‌بی ههر به‌یه‌ک «یا» بنووسری؛ وه‌ک رسته‌ی خواره‌وه:

شلیر، شانازی مه‌لا ره‌شیدی له‌گه‌ل خو‌ی هینا.

له‌م رسته‌یه‌دا «شاناز» ناوی که‌سیکه و نووسینی به‌یه‌ک «یا» راسته. به‌لام له‌ رسته‌ی ژیره‌وه‌دا:

ئەم مه‌سه‌له‌یه‌ جیگه‌ی شانازی مه‌لا ره‌شیده.

وشه‌ی «شانازی» له‌م رسته‌یه‌دا تاقه وشه‌یه‌کی سه‌ربه‌خویه و جگه‌له‌وه‌ی «یا» ی ئاخری در‌یژتر له «یا» ی رسته‌ی یه‌که‌م ده‌ویژری، نه‌نووسینی به‌ دوو «یا» هه‌رگیز ئەو مانا پ‌یویسته بو‌خوینهر نادات؛ له‌راستیدا ده‌بینن، «یا» ی در‌یژی ئاخری وشه له‌ زمانی کوردیدا، ده‌وری مانا‌گۆرین ده‌بینی و ده‌بیته‌ فونیمیکی جیاواز له «یا» ی کورت. دیاره‌ که له‌م رسته‌یه‌دا و هه‌روه‌ها له‌ رسته‌ ژماره‌ جووته‌کانی نمونه‌گه‌لی خواره‌وه‌دا، ئە‌گەر ئەم جو‌ره‌ وشانه، به‌یه‌ک «یا» بنووسرین؛ مانا، یان وینه‌ی رسته‌کان بو‌خوینهر شاراوه‌ ده‌بی و دره‌نگتر له‌ مانایان ده‌گات. [به‌لام له‌ رسته‌کانی

ژماره «تاک»^(۱) دا وشه‌ی هاومالی ئەوان به‌یه‌ک «یا» ده‌نووسرین:

۱- کوردی ئیران، زیاتر له‌ ناوچه‌ شاخاوییه‌ کاندای ده‌ژی.

۲- دوورمانه‌وه‌ی کوردیی له‌ هه‌ندی پێشکه‌وتن و تیکه‌لنه‌بوونی له‌ گه‌ل زمانه‌کانی دیکه‌؛ سه‌ره‌پای گه‌لێک خرابی، بووه‌ته‌ هو‌ی پاک و پاراومانه‌وه‌ی ئەم زمانه‌، بۆیه‌ ده‌توانی وه‌ک بنه‌مای ناسینه‌وه‌ی ره‌گه‌زی هه‌ندی وشه‌ی که‌ونی ئیرانی که‌لکی لی‌وه‌ربگیری.

۳- شیرکو نه‌به‌زی بانگ کرد.

۴- نه‌به‌زی ، به‌ بالای شیرکو براوه‌.

۵- زمانه‌وانی کورد، ماوه‌یه‌ که‌ له‌ حاست ئالوگۆری خیرای زمانه‌ - که‌مانه‌وه‌ بیده‌نگن.

۶- زمانه‌وانیی ، به‌ هه‌ندی هو‌ی جو‌راو جو‌ره‌وه‌، بایه‌خی پێنه‌دراوه‌.

پیم‌وايه‌ ریکه‌وه‌ندی «کوردی ئیران» خیرا مه‌به‌ستی «گه‌لی کورد»ی ئیران به‌ خوینهر راده‌گه‌یه‌نی و «کوردیی ئیران» یش مه‌به‌ستی «زمانی کوردی»ی ئیران خیراتر راده‌گه‌یه‌نی. هه‌روه‌هايه‌ بو وشه‌گه‌لی «نه‌به‌ز» و «نه‌به‌زی»... وه‌تد.

شایانی باسه‌ له‌ به‌رئه‌وه‌ی «۲» پیت بۆیه‌ک ده‌نگ به‌ کار نه‌به‌ین، دیاریکردنی پیتیکی تایبه‌ت بو‌ئهم ده‌نگه‌، له‌ لایه‌ن کو‌ریکی ده‌سه‌لاتداره‌وه‌ پێویسته‌. (۲)

۱- تاک: فَرَد.

۲- له‌ به‌ر ئەوه‌ی نووسه‌رانی کوردی ئیران به‌ گشتی ئەو جو‌ره‌ وشانه‌ به‌یه‌ک «یا» ده‌نووسن، بو‌ دووری کردن له‌ شیواوی و ئالۆزی فره‌تری نووسین، له‌م نووسراوه‌یه‌شدا ئەم ره‌وته‌ گشتیه‌ ره‌چاو کراوه‌.

به کار هینانی نیگاری هه‌ندی ده‌نگی تایبەت به زمانی عەرەبی و نووسینی وشە‌ی بیگانه

دیاره که له شیوه‌زارگه‌لی جوړاو جوړی کوردیدا هه‌ندی ده‌نگی وه‌ک
 «ص، ط، ث...» ی هه‌ن، بو‌نمونه له وشه‌گه‌لی «سه‌وزی» و «سال» و
 «سه‌گ» دا ده‌نگه که وه‌ک ده‌نگی «ص» ی عەرەبی ده‌ویژری و جیاوازه له
 ده‌نگی «س» ی وشه‌گه‌لی «سۆزی»، «سیبه‌ر» و «هه‌ساره»... به‌لام
 بو‌ره‌چاوکردنی یاسایه‌ک بو‌ به کاره‌ینانی پیتته‌کانی «ص، ض، ط، ظ، ذ و
 ث» له رینووسی کوردیدا ده‌بی‌ئوه له به‌رچاو بگیری که ئایا ئه‌م ده‌نگانه
 له کوردیدا ده‌بنه‌ هو‌ی جیاوازی مانایی و فونیمن، یان نا؟... وشه‌گه‌لی
 ناوبراوی ده‌سته‌ی یه‌ که‌م و هه‌ر وشه‌یه‌ کی دیکه‌ی کوردی که ده‌نگی
 نزیک له «ص» ی عەرەبی تیدایه، ئه‌گه‌ر به «س» بنووسری به‌ هیچ له‌ونیک
 مانایان ناگو‌ردری و دیاره ده‌نگی «ص» له زمانی کوردیدا فونیم نییه،
 هه‌روه‌هایه ده‌نگی «ض، ط، ظ، ذ و ث». واته له رینووسی کوردیدا
 پیویست نا‌کا له خو‌را ئه‌رکی نووسه‌ر و خو‌ینه‌ر زیاد بکه‌ین. ئه‌مه‌ی که بو‌
 هه‌ندی‌بابه‌تی لیکو‌لینه‌وه‌ی زمانی، ده‌رخستنی ئه‌م جو‌ره تایبه‌تمه‌ندیانه
 پیویست بن؛ پیوه‌ندی به رینووسه‌وه نییه و ده‌کرئ له‌و بو‌اران‌ه‌دا له
 ئه‌لفو‌بی فونیتیک، یان نیشانه‌ی دیاریکراو که‌لک و ه‌رگیری.

هه‌نووسینی هه‌ندی پیتی عەرەبی له‌و وشه‌ عەرەبیانه‌ی وا هاتوونه‌ ناو
 زمانی کوردیه‌وه، یان ناوگه‌لی تایبەت (خاص) ی عەرەبی له ده‌قیکی

کوردیدا، ده‌بیته هوئی دلگرانی هندی نووسەر و خوینهری عه‌ره‌بیزان. دياره که نووسینی هندی وشه‌ی عه‌ره‌بی به‌ئه‌لفوویی کوردی و نه‌نووسینی ئه‌و ده‌نگانه، مانای عه‌ره‌بیان ده‌گوڤڤی و هه‌ر به‌م بونه‌وه‌ ئه‌م ده‌سته‌یه له‌سه‌ر ئه‌و بر‌وايه‌ن که بو‌پاراستنی مانای عه‌ره‌بی وشه‌که، هه‌ر به‌ رینووسی عه‌ره‌بی بنووسرین؛ بو‌نموونه ده‌لین: وشه‌ی «نظیف» ئه‌گه‌ر به‌ «ز» بنووسری، مانای «خوین له‌به‌ر‌پوشتن» ده‌دات که له‌گه‌ل مانای «خاوین» دا‌یه‌ک ناگریته‌وه. پیم وایه‌ ئه‌م ديارده‌یه، له‌ لایه‌ن ئه‌م ده‌سته‌یه، به‌ وردبینه‌وه سه‌یر نا‌کریت. له‌ نووسینی ئه‌م جو‌ره وشه‌گه‌له به‌ رینووسی کوردی ته‌نیا ئه‌و ده‌نگانه نا‌گوڤدرین، بو‌نموونه له‌ وشه‌ی «نه‌زیف» دا‌ نیگاری ده‌نگی «سه‌ر / فه‌ت‌حه» ی دوا‌ی «ن» گوڤراوه به‌نیگاری «ه» و گیر و گه‌رفته که ده‌گه‌ریته‌وه بو‌جیاوازی رینووسی ئه‌م دوو زمانه و پیوه‌ندی به‌ گوڤرینی تا‌قه ده‌نگیکه‌وه نییه. ئه‌م جو‌ره وشه‌گه‌له ئه‌گه‌ر هات‌ب‌نه زمانی کوردیه‌وه، فره‌تر «ناوی تاییه‌ت» (اسم خاص) ده‌گر‌نه‌وه و وشه‌ی وه‌ک «نظیف» له‌ ده‌قیکی ئیستای کوردیدا نایندرین. بو‌نووسینی ناوی تاییه‌ت (وه‌ک ناوی که‌س و شوین و کتیب و ...). دیسان ئه‌گه‌ر بین رینووسی زمانی یه‌که‌م (لیره‌دا عه‌ره‌بی) پیا‌ری‌زین؛ واته‌ ده‌بی عه‌ره‌بینووسیکیش ناچار بکه‌ین ناوی گوڤاریکی وه‌ک «تا‌فگه» هه‌ر به‌و پیتی «ف» یه‌ بنووسی که له‌ عه‌ره‌بیدا نییه. یان ئینگلیسی زمانیک که وشه‌ی «عه‌لی» به‌ «Ali» و به‌ نیگاری ده‌نگیکی نزیک به‌ هه‌مزه‌ی کوردی ده‌نووسی، ناچار بکه‌ین نیگاریک بو‌ ئه‌م جو‌ره ده‌نگانه‌ی زمانی کوردی و زمانانی دیکه‌ی دنیا بتاشی؛ یان له‌ دیرپکی ئینگلیسیدا کاتێ ده‌گاته وشه‌ی «عه‌لی» هه‌ر وه‌ک

خوی [به پیتی کوردی (و عه‌ره‌بی)] بینه‌وسیتته‌وه، نه‌ک به ئەلفوییی
ئینگلیسی؛ تا‌کو و مانا و بیژە‌ی یه‌که‌میان پیا‌ری‌زی!!

ریشه‌ی ئەم جو‌ره بو‌چوونه زیاتر له‌هه‌موو شتیک به‌هوی ئەوه‌یه‌که
زۆر‌به‌ی پیتە‌کانی رینووسی کوردی له‌عه‌ره‌بی وه‌رگیراون و هاوبه‌شن؛
به‌لام بیر له‌وه‌نا‌کریتته‌وه‌هه‌ر ئەم وشه‌عه‌ره‌بیانه‌ئه‌گه‌ر به‌کوردی لاتین...
بنووسرین (یان سه‌رده‌میک بگات که‌کورد بو‌زمانی ئەده‌بی خوی
ئەلفوییی لاتینی به‌کار بگری) ئەوده‌م چاره‌نووسی ئەم وشه‌گه‌له‌چییه؟
دیاره‌ئه‌م بو‌چوونانه‌ته‌نیا‌گیرو‌گرفتی رینووس قورستر ده‌که‌ن و وشه‌ی
زمانانی جیاوازی دنیا به‌رینووسی زمانی یه‌که‌م نا‌گو‌یزرینه‌وه‌بو‌زمانه‌کانی
دیکه.

جیاکردنه‌وه و پیکه‌وه‌نووسینی پیته‌کان

یه کیك له گیر و گرفته‌کانی نیوان نووسه‌رانی کورد، چوئیتی پیکه‌وه‌به‌ستن و جیانووسینی پیته‌کانه. به‌گشتی دوو دیارده له‌م بواره‌دا به‌دی ده‌کری: یه‌که‌م ئه‌وه‌ی که به‌شه‌کانی وشه‌ی لیکدراو و دارپژراو... جیا له‌یه‌که‌ ده‌نووسری و زۆربه‌ی نووسراوه‌ کوردیه‌یه‌کانی ئیران ئه‌م شیوازه‌ ره‌چاو ده‌که‌ن. ته‌نانه‌ت ئه‌م نووسه‌رانه، هه‌ندی به‌شی وشه، که‌ مانا و هه‌بوونی سه‌ربه‌خویان نییه [وه‌که‌ هه‌ندی پیشگر و پاشگر که‌ بو‌خویان خاوه‌نی مانای زمانی ته‌واو نین و کاتی ده‌چنه‌ سه‌ر وشه، مانای ته‌واو ده‌که‌ن]، سه‌ربه‌خو ده‌نووسن. هه‌ندی له‌م پیشگر و پاشگرانه وه‌که «مۆرفیمی وشه‌دارپژ»،⁽¹⁾ ده‌وری دارپشتنی وشه‌ ده‌بینن؛ ئه‌م مۆرفیمه‌ ده‌بیته‌ ئه‌ندام و پارچه‌یه‌کی یه‌که‌گرتووی وشه‌ی دارپژراو، به‌لام زیاتر به‌جیا ده‌نووسری. بناغه‌ی بو‌چوونی سه‌ربه‌خو نووسینی هه‌موو وشه‌یه‌که‌، له‌سه‌ر ئه‌وه‌یه‌ که‌ بو‌ناسینه‌وه‌ی بنه‌ما و ره‌گه‌ز و ئه‌سلی وشه‌کان، واباشه‌ جیاله‌یه‌که‌ بنووسری.

1 - مۆرفیم، پچوکترین به‌شی واتاداری زمانه‌ و ئه‌و به‌شه‌ ماناداره‌یه‌ که‌ ئه‌گه‌ر ده‌نگیکێ لی که‌م بکریته‌وه، هه‌چ مانایه‌که‌ ناگریته‌ خو‌ی، وه‌که‌ وشه‌ی هیشوو، گلار، بۆل، کتیب. وشه‌ (مۆرفیم) ی «بۆل» سی‌ده‌نگ و یه‌که‌ به‌ش (سیلاب)ه‌و وشه‌ی «هیشوو»، 4 ده‌نگ و 2 به‌شی هه‌یه‌. مۆرفیمی وشه‌دارپژ خو‌ی مانایه‌کی ته‌واوی سه‌ربه‌خو‌ی نییه‌ و توانای مانای جو‌راو جو‌ری تیدایه‌، که‌ له‌ پیه‌ند له‌گه‌ل وشه‌ی دیکه‌دا ده‌بیته‌ خاوه‌نی ئه‌و مانایانه‌؛ وه‌ز: هه‌ل، پۆ، پرا، تی، ین، ینه‌...

له بهرانبهر ئەم بو چوونه‌دا، شیوازیکی دیکه هه‌یه و هه‌ندی نووسەر بی هه‌ست کردن به پیوستی جیاووسینی وشه‌ی سه‌ربه‌خو، هه‌موو پیت و به‌شی سه‌ربه‌خوی وشه‌کان پیکه‌وه ده‌به‌ستن. ئەم شیوازه له نووسینی گه‌لیک نووسه‌ری کوردی ئیرا‌ق‌دا ده‌بینن. هوی سه‌ره‌کی ئەم بو چوونه، جیانه‌کردنه‌وه‌ی وشه‌گه‌لیکی سه‌ربه‌خویه، که‌وه‌ک «که‌رتیکی سه‌ربه‌خوی زمانی» مانای ته‌واو و سه‌ربه‌خو و جیاواز له وشه‌ی دیکه‌یان هه‌یه.

لیره‌دا به‌کورتی هه‌ندی لایه‌نی سه‌ره‌کی ئەم مه‌سه‌له‌یه ده‌خه‌ینه‌روو. دیاره‌که ئەم بابته و باسه‌نه‌ی له ژیره‌وه پێشکه‌ش ده‌کرین، گو‌شه‌یه‌که له‌م گه‌روگرفته و به‌م وتانه‌که هه‌ر کو‌تایی نایته؛ به‌لکوو پیوستی به‌لیدوان و لیکو‌لینه‌وه‌ی فره‌تره؛ هیوادارین هه‌ر ئەوه‌نده بی که ده‌لاقه‌یه‌ک بکاته‌وه بو تو‌ژی‌نه‌وه‌ی قوولتر و هه‌مه‌لایه‌نه‌ی ئەم بابته له لایه‌ن نووسه‌رانه‌وه.

له پێشدا پیوسته‌ ئاماژه بکه‌ین بو دوو چمکی «وشه‌ی سه‌ربه‌خو» و «وشه‌ی ناته‌واو»:

هه‌ر وشه‌یه‌ک که‌خوی به‌ته‌نیا و بی یارمه‌تی وشه‌یه‌کی دی، مانای ته‌واوی هه‌بی، وشه‌ی ته‌واوه؛ وه‌ک وشه‌گه‌لی:

دار، رو‌یشت، چیمه‌ن، نیوه‌رو، میوان، شانۆ، چوارده، سپی، چاپ، دره‌نگ، ئەو.

کاتی تماشای ئەو وشانه‌ی سه‌ره‌وه ده‌که‌ین، ده‌بینن هه‌رکامیان به‌شیکێ سه‌ربه‌خوی زمانین و یه‌کیکن له‌شه‌ش به‌شی «که‌رته‌کانی زمانی ئاخوتن» ی کوردی. [واته: ۱- ناو ۲- جیناو ۳- ئاو‌ه‌لناو ۴- کردار / چاوگ ۵- ئاو‌ه‌لکردار ۶- ژماره].

هه‌ندی وشه‌ی وهك: (له، ده‌با، وه‌ی، و) به‌ته‌نی خواوه‌نی مانایه‌کی ته‌واو نین و به‌ وشه‌ی «ناته‌واو» ده‌درینه‌ قه‌له‌م؛ به‌لام ئەم وشه‌گه‌له [که‌یه‌ کیکن له‌ به‌شگه‌لی: «ورده‌وشه»، «بیژ»، «ئامرازی پپوه‌ندی» و «ئامرازی سه‌رسوورمان و بانگیشتن»] له‌ رسته و فریزدا مانایه‌کی دیاری ریزمانیان هه‌یه و کاتی به‌ ته‌نیا بنووسرین هه‌ر خواوه‌نی ئەو واتایه‌ن؛ به‌لام له‌ زمانی کوردیدا دیارده‌ی گواستنه‌وه‌ی ده‌وری زمانی هه‌ندی به‌شی ئاخاوتن به‌دی ده‌ کرئ، وه‌ك ده‌بینین هه‌ندی «ورده‌وشه» ده‌بنه‌ پیشگر و ناوگر ... (ئافیكس و ئیتیرفیکس). له‌م حاله‌تانه‌دا که‌ ده‌وری زمانی «ورده‌وشه» ده‌ گوپردرئ، خواوه‌نی هه‌یچ مانایه‌کی سه‌ربه‌خو نامینئ و نابئ به‌ جیا بنووسرئ، وه‌ك «بئ» و «به» له‌ وشه‌گه‌لی: بیکار، بیده‌نگ، گولبه‌ده‌م ... هه‌روه‌ها هه‌ندی وشه‌ی فه‌ره‌نگی و زاراه‌و وشه‌ی رو‌نراو و سه‌ربه‌خوئ دیکه، که‌ ده‌بنه‌ تاقه‌ وشه‌یه‌کی مانادار، باشتره‌ پیکه‌وه بنووسرین، وه‌ك: شه‌وانشه‌و، سپاره، شه‌شدانگ ...

نیشانه سه‌ر به‌ هه‌یچ که‌رتیکی زمانی سه‌ربه‌خوئیه، به‌ ته‌نیا و سه‌ربه‌خوئ مانایان نییه و یارمه‌تیده‌ری وشه‌ی دیکه‌ن بو ته‌واو کردنی مانایه‌ك، یان دارشتنی وشه‌یه‌کی نوئ ... نیشانه‌که‌ له‌ گه‌ل وشه‌ تیکه‌ل ده‌بئ و ده‌بیته‌ پارچه‌یه‌کی پیکه‌ینه‌ری وشه‌یه‌کی نوئ ...، ده‌بئ بلکئ به‌و واژه‌وه؛ وه‌ك ئەم نیشانه‌گه‌له‌ له‌ وشه‌کانی ژیره‌وه:

تر، یکئ، ه‌که، یه، ی

شیرینتر^(۱)، کچیکی، ئەسپه‌که، مه‌ریوانییه، باوکی

۱ - ئاوه‌لناوی «تر» له‌ گه‌ل نیشانه‌ی به‌راوردی «تر» جیاوازه‌ و ده‌بئ به‌ جیا بنووسرئ،

راست وایه هەر وشه یهك مانای سهر به خوئی هه بی، به جیا بنووسری و
 ئەو وشه ی که مانای سهر به خوئی نییه و به هوئی لکاندن به وشه ی دیکه وه
 ده بیته خاوهن مانا؛ یان مانایه کی نوئی له وشه یهك ساز ده کات و ده وری
 وشه دارپژئی هه یه، به وشه ی دیکه وه به سترین.

دیاره وشه ی وهك «ههل» هیچ مانایه کی تایه تی ناگریته خوئی و کاتی
 وهك پیشگر دیته سهر وشه، مانایه کی تازه پیک دینئی. ئاشکرایه وشه گه لی
 «چوون» و «ههلچوون» مانایه کی جیاواز له یه کیان هه یه و لیره دا «ههل»
 ده وری دارشتنی وشه ده گپری و ههر به وه هویه وه که خوئی به ته نی خاوهنی
 مانای سهر به خوئییه، ده بی بلکی به وشه ی پاش خوئییه وه و نووسینی
 «ههل چوون» و «ههل گرتن» و «ههل ده گرم» و «ههل بگره»... راست نییه و
 باشتره بنووسری: «ههلچوون»، «ههلگرتن»، «ههلده گرم»، «ههل بگره»...
 [له وشه ی «ههل بگره» دا نیشانه ی «ب» ی ئه مر که وتوته نیوان پیشگر و
 ریشه ی کردار - له وشه ی «ههلده گرم» دا نیشانه ی «ده» ی زه مانی حال
 که وتوته نیوان ئەو دوو به شه وه.]

له وشه ی دارپژراودا، کاتیك پاشگر به شوین «وشه ی ساده»، یان
 «ره گی وشه» دا دیت، ده توانین بلیین که س له پیکه وه به ستیاندا شک ناکهن،
 بو نمونه کاتی پاشگری «ین» به دوا ی وشه ی «نهرم» وه دیت و وشه ی
 «نهرمین» ساز ده کات، هیچ قه له مبه ده ستیک نانوسئی: «نهرمین»، یان
 رهنگه که م که س وشه ی «شاخدار» جیاله یهك بنووسن. ئەم گپروگرفته

→ وهك: کیژیکی تر، روژیکی تر... به لام نیشانه ی بهراوردی «تر» ده بی به وشه وه
 بلکی، وهك «روژیکی رووناکتر، کیژیکی شهرمیوتر...».

زیاتر سه‌باره‌ت به پیکه‌وه لکاندنی پیشگره‌کانه. ته‌گه‌ر بیین به‌راوردیکی ساده بکه‌ین له‌نیوان دوو وشه‌ی «نه‌رمین» و «هه‌لگرتن» دا، ده‌بینین هه‌ردووکیان یه‌ك «قه‌واره‌ی زمانی» یان هه‌یه: له وشه‌ی «نه‌رمین» دا دوو که‌ره‌سته‌ی [وشه‌ی ساده - نه‌رم - + مورفیمی وشه‌داپ‌ر‌یژ - پاشگری «ین» -] به‌کار براوه و وشه‌ی «هه‌لگرتن» یش له [مورفیمی وشه‌داپ‌ر‌یژ - پیشگری «هه‌ل» - + وشه‌ی «گرتن»] سازبووه. دیاره به‌هو‌ی یه‌کبوونی جو‌ری به‌شه‌کان و قه‌واره‌ی زمانی ته‌م وشانه‌وه، ده‌بی بو نووسینیان یه‌ك یاسای رینووسی ره‌چاوبکری. پیوسته په‌نجه بو‌ئه‌وه رابکی‌شین که ده‌بی جیاوازی هه‌بی له‌نیوان نووسینی «ورده‌وشه» (preposition) و ورده‌وشه ئاخری واژه (postposition) دا. ورده‌وشه، بو‌خو‌ی که‌رتیکه جیاواز و سه‌ربه‌خو‌ی زمانییه و به‌ته‌نی مانای سه‌ربه‌خو‌ی هه‌یه، به‌لام پو‌ستپوزیشن، سه‌ربه‌خو‌نییه و ده‌بی به‌ئاخری وشه‌وه به‌ستری؛ (وه‌ك له هه‌ندی نموونه‌ی سه‌رووتریش دیمان که چه‌ند نیشانه‌یه‌ك ته‌م ده‌وره‌یان ده‌گیرا):

دا، وه، ه‌که، یه؛ له وشه‌گه‌لی ژیره‌وه:

له ئیراندا، له‌ویوه، چاییه‌که، گرانییه ...

وشه‌ی لی‌کدراو^(۱)

وشه‌ی لی‌کدراو، وشه‌یه‌که، لانی‌که‌م له دوو به‌شی سه‌ربه‌خو‌ی (واتادار) پیک‌هاتووه، وه‌ك وشه‌گه‌لی:

چایخانه، کریکار، دارده‌ست، ده‌سه‌ه‌لگیر ...

چونکه وشه‌ی لیکدراو، خو‌ی ده‌بیته تاقه وشه‌یه کی فهره‌نگی، یان زاراوه‌یه کی سه‌ربه‌خو، یان وشه‌پو‌نراویکی خاوه‌ن‌مانا . . . و به‌شه‌کانی ئەم وشه‌لیکدراوه پیکه‌وه «یه‌ک» مانا ده‌گرنه‌خو، وا جوانتره وشه‌ی لیکدراویش هه‌ر به سه‌ریه‌که‌وه بنووسری و که‌رته‌کانی جیا‌نه‌کرینه‌وه. ئەم پیکه‌وه نووسینه‌ش ده‌بیته هو‌ی ساده‌کردنه‌وه‌ی نووسین و ساکار‌کردنه‌وه‌ی خویندنه‌وه و خیر‌تر له‌زه‌بندا جی‌ده‌گری. (۱)

۱ - پروانه: نووسینی کوردی به‌ئەلفووبی عه‌ره‌بی، دکتۆر عه‌بدوره‌حمانی حاجی مارف، ل ۱۲۸ تا ۱۴۱.

هه‌موو وشه‌یه‌ک پیکه‌وه نه‌به‌ستین

گه‌رچی له سه‌رووتر، به‌کورتی باسی ناراستی پیکه‌وه‌به‌ستنی هه‌ندی وشه‌ی سه‌ربه‌خو‌کرا؛ به‌پۆیست ده‌زانین هه‌ندی نموونه له‌م هه‌له رینووسیانه بخه‌ینه به‌رچاو. گه‌لیک له‌م نموونانه‌ی خواره‌وه له نووسراوه‌کاندا ده‌بینین:

لێهه‌لده‌گر نه‌وه، له‌دایکبووم، پیمگوت، لیده‌کاته‌وه، له‌گه‌لتاندیم، پیکرد، گو‌یی لیده‌بی، له‌چاپدرا، لیده‌ژیا، له‌سروه‌دا چاپکرا ...

ئه‌م وشه‌، یارسته‌ و فریزانه، له‌دوو یا چه‌ند وشه‌ی سه‌ربه‌خو‌پیک هاتوون که هه‌ر کامیان خاوه‌نی مانای تایه‌تی و ده‌وری ریزمانی خو‌یانن و هه‌ر به‌م بۆنه‌یه‌وه پیکه‌وه نووسینان راست نیه‌. بۆ نموونه رسته‌ی «له‌دایک بووم» [پریپۆزیشن + ناو + کردار] له‌سێ به‌ش دروست بووه، که هه‌موویان خاوه‌نی مانای ته‌واوی ریزمانین و پۆیسته جیا‌له‌یه‌ک بنووسرین.

له‌رسته‌ی: «شلی‌ر و شیرزاد پیکه‌وه له‌دایکبوون»، «له‌دایک بوون» به‌هه‌له‌ پیکه‌وه نووسراوه، به‌لام له‌رسته‌ی ژیره‌وه‌دا که «له‌دایکبوون» چاوگ (مصدر)ه و یه‌ک وشه‌ی خاوه‌ن مانای سه‌ربه‌خو‌ دروست ده‌کات، نه‌ک دێ‌ر و رسته‌یه‌کی جیا‌جیا؛ ده‌بی پیکه‌وه‌بنووسری:

«له‌دایکبوون، یه‌که‌م هه‌نگاوی به‌ره‌و‌پروو بوونی مرو‌فه له‌گه‌ل کیشه‌یه‌کی بی‌کو‌تاییدا».

به پيچه وانه وه له هه ندى نووسراوه دا، وشه ي ليكدراو و دارپژراو ...
 كه ده بي پيكه وه بنووسرين جيا له يه كه ده نووسرين، كه شه مهش كاريكي
 راست نيه، بو نمونه:

ليم كرى بوو، ئاخنى بوون، كراسه كه ي دوورى بوو، دل خوشى، لىي
پرسى بوو كه ده بي بنووسرى:

ليم كرپوو، ئاخنيوون، كراسه كه ي دووريبوو، دلخوشى، لىي پرسىوو ...
 پيكه وه به ستنى ره گى كردارى «دا» له رسته ي خواره وه دا هه له يه:

هۆمه ر كتيبيكي به شاديدا

راست و ايه بنووسرى: ... به شادى دا.

به لام پۆستپۆزيشنى «دا» له رسته ي خواره وه، ده بي به وشه ي «شادى»
 يه وه بلكى:

كه شه وه وه واله م بيست، له شاديدا نو قم بووم ...

جارو بار له هه ندى نووسيندا ده بينين «و» ي پيوه ندى (عطف) به وشه ي
 پيش خويه وه ده لكينن، كه هه له يه كى به رچاوه، وه ك:

گرىانو شيوه ن، هاتم و چووم، كه رموتاقه ت پرووكين، ره شوشين،

قاچوقول، ده موچاو

دياره نووسينى شه وشه گه له، به شيوه ي ژيره وه دروسته:

گرىانو شيوه ن، هاتم و چووم، كه رم و تاقه ت پرووكين، ره شوشين،

قاچوقول، ده موچاو

پاشکو (۱)

خال دانان

بو تیگه یشتنی ورد و خیرای خوینهران له بابه تیک، ره چاو کردن و به پیره بردنی یاساکانی خال دانان له لایه ن نووسه رانه وه، زور پیویسته. گه لی جار، دانان، یان دانه نانی نیشانه به ک له رسته به کدا، مانای رسته و بابه ته که ده گوپی؛ ههروه ها خال دانان پیوهندی نیوان که رته کانی رسته و ئاههنگی و ته دیاری ده کات. خال دانان دیاردهی زمانه ئورووپاییه کانه و له نووسینی کوردیدا میژوویه کی کورتی هه به و هیشتا هه رکه سه به دلخوازی خوئی خال داده نی...

لیره دا سه ره کیتیرین هو به کانی خال دانان ده ستیشان کراون:

خال .

دانانی خال له ئاخری رسته دا به مانای کوتایی هاتنی مه به سستی رسته به و له دوای رسته به ک داده نری که هه و الیک راده گه به نی، ههروه ها «رسته به هه والی» له رسته به دوای خوئی جیا ده کاته وه. ته گه ر موسیقا و گورانی هه ر میلیه تیک، ده برینیکی راستگویانه ی ناخ و دهروونی ته و میلیه ته بیته، ته و اتیکرای موسیقا و گورانی کوردی شه قلیکی تاییه تمهندی خه مناکی هه به.

(1) (میژووی موسیقای کوردی - نووسینی: موحه ممه د حه مه باقی)

۱ - نمونه ی نووسینی شاعیر و نووسه ر و هونه ر مه ندان، هه لبرارده ی جوانترین و ته و کاری به رزی ته وان نییه.

گورانی به کانی من

همیشه

به سهر داره کانه وه دهنیشه وه.

ده نیشه ته و شوینه ی

که جاروبار

له خه ونمدا

چاوانی توده بینم.

(شیعری «گورانیبه کانی من» - وه رگپراوی: فه ره یدوون ئه رشه دی).

کاما

کاما نیشانه ی راوه ستانیک کی کاتی و کورته له رسته دا. ئەم جوړه راوه ستانه له شوینی جوړاو جوړی رسته دایه و پیش کوتایی رسته به کی ته واو داده نری بو جیا کرده وهی «رسته ی ساده» له ناو «رسته ی لیکن دراو» دا، یان بو جیا کرده وهی وشه ی له دوا یه کی رسته، له کاما که لک وه رده گرین. هه ندی کهس له نووسیندا بو نیشانه ی بانگ کردن، کاما به کار دینن؛ که جوان نییه. (۱)

ئه وه ی که ده لین به یت ئاوینه ی بالانوینی کومه لی کورده وارییه، به لای منه وه باشرین بو چوونه. (ئه حمده به حری)

وینه ی خیزان و منداله کانی دیته بهر چاو، رواله تیان تیگ ده شکێ.

سەریان درېژتر ده بې، چاویان به قەت کونە دەرزیه کی لئی دی، زاریان وه ک
 ئەشکه و ټیککی رهش و بې بن دیاری ده کا. قامکی ده ستیان وه ک تووله مار
 باریک و درېژ ده بن، له له شی ده هالین و قەفی پیدای ده خۆنه وه، ورده ورده
 ده مه له جهستهی ده ئین و ده یخون.

(کورتە چیرۆکی «گورگ» - نووسینی: ناسر وه حیدی)

کامای خالدار ؛

کامای خالدار نیشانهی وچان و راوهستانه که له نیوان دوو رستهی
 پاراگرافدا، که مانایان به یه که وه به سراوه ته وه داده نری. وچان و
 له ننگه رگرتنی دواي کامای خالدار له کاما (،) فره تره:

له تراژیدییه کانی شکسپیردا زه عفی شه خسییه تی مرووف ده بنه هوئی
 به دیهاتنی تراژیدی؛ بو وینه له «هاملیت» داشک و گومان و دوودلی، له
 ئوتللودا هه سوودی له ئاست زن. له هه ندی جیگادا ته ماع، بو وینه له
 لیرشادا. له تراژیدییه کانی کوردیدا زه عفی شه خسییه تی نییه. هه تائه و
 جیگه ی خویندرومه ته وه که مایه سی له «قاره مان» دا نییه، له ده ور و به ری
 «قاره مان» دایه، له «کومه ل» دایه، له «موحیت» دایه. موحیت هه سووده،
 تی ناگا، در و بې روحمه، ټینه گه یشتووه. هوگه لی ده ره وه ن کاره سات
 پیک دین و قاره مان قوربانی ده که ن. تایبه ته ندی تراژیدی کوردی
 له وه دایه.

ئاخ گومی مه‌ندا! مه‌گه‌ر هه‌ر خۆم بزانه‌م چه‌نده‌م ده‌رد له‌ دلدايه و چه‌ند شه‌يدام؛ كه‌س نازانی چه‌نده‌م دل پپوهيه‌ته‌ و شووره‌يه‌ت له‌ ده‌ور لابه‌م و تۆش وه‌ كووه‌زاران رۆخانه و ده‌رياي تازاي ته‌م دنيايه؛ ره‌وان، ره‌وان، به‌سه‌ر گاشه‌به‌رد و لم و زيخدا له‌نجه‌ بكه‌يت. پرۆيت و هه‌ژه‌ت بي‌ت، ده‌روونت پرپي له‌ماسي و ده‌ورو به‌رت به‌ دارستان ته‌نراي.

(كورتته‌ چيروكي «خرمه‌ي به‌سته‌له‌ك» - نووسيني: نه‌جيبه‌ ته‌حمه‌د)

نیشانه‌ی سه‌رسوورمان !

ته‌م نیشانه‌يه له‌ كو‌تايي رسته‌دا، له‌ كاتي سه‌رسوورمان، بانگ كردن، پيداگري و په‌نجه‌له‌سه‌ر دانان (تاكيد)، دو‌عا و نزا، پيداهاه‌لگوتن، خه‌فه‌ت و مخابن... داده‌نري.

بو‌نیشاندا‌ني سه‌رسوورمانی فره‌تر له‌ هه‌ندی شویندا دوو نیشانه‌ي (!!)، یان سی نیشانه‌ي (!!!) داده‌نري و هه‌ندی جار نیشانه‌ي پرسياريشی ده‌خه‌نه پال:

ناوی چیت لی بنیم، كه‌تۆ وه‌ك ته‌زوو، سه‌رتاسه‌ري بوونم ده‌خه‌يته جووله‌ و به‌دیت ناكه‌م، وه‌ك هه‌نسك نه‌يني خه‌م و ژان ده‌درکيني و نايته گريان، وه‌ك شه‌رم نيگاري تاسه و ته‌وين ده‌کيشی و نايته هه‌ز و نايته ئاره‌زوو. ناوی چیت لی بنیم، ناوی چی؟!

(فه‌هاد شاکه‌لی)

نیشانه‌ی پرسیار ؟

وهك له ناوه كه یه‌وه دياره له كوټايي «رسته‌ی پرسيارى» دا داده‌نرئى:
 شيعرېكى جوانه؛ نا؟ به‌لام رهنگه زورتان پئى سه‌ير بئى ته گهر بزنان ته م
 شيعره هى يهك و دوان نيه، به‌لكوو هى پينج شاعيره و له كاروانى شيعرى
 گووارى سروه‌دا شيعره كانيان چاپ كراوه و من له ههر يه كه يان، يه‌ك دوو
 دېرم وه‌رگرتووه و ئەم شيعره‌م لئى خولقاندوو!

(جەلال مەله‌كنا)

دووخال :

ئەم نیشانه‌یه‌ بو‌دیاریکردنى «وته‌ی راسته‌وخو» (نقل قول مستقیم)

دیت:

وهك گۆران كه شيعره‌كانى فرئى دايه به‌ر پئى پيره‌ميرد، گوټى: «كيهه‌يان
 زۆله، به‌سهرى گۆچانه‌كه‌ت سه‌رى پان بكه‌وه»، فریتان ده‌ده‌مه به‌ر پئى.

(کۆمه‌له‌ چيروكى «زريكه» - نووسينى: عه‌تا نه‌هاينى)

هه‌روه‌ها له‌دواى رسته‌يه‌ك داده‌نرئى كه به‌دوايدا رسته‌يه‌كى ديكه‌ راقه

(شهرح)ى بکات، يان هو‌يه‌كانى رسته‌ی به‌که‌م باس بکا:

ئەم خو‌شه‌ويسته‌ دل‌ره‌قه‌ عيشق‌په‌روه‌ره‌ی

نه‌ ده‌توانم وه‌ کوو کيرټيک بيخه‌مه‌ پاشته‌رکى ته‌سپ و

له ژیر سایه‌ی زبیره‌شانی تریفه‌ی مانگه‌شه و یگدا
هه‌لیگرم،

نه‌ده‌توانم هه‌رگیز دلی لی به‌رده‌م و خوم گیرۆده‌ی شوینکی دیکه بکه‌م،
ناوی: «خاک» ه ...

(شیعری «مانه‌وه» - مارف ئاغایی)

که‌وان ()

کاتیك بمانه‌وی هومانای وشه‌یه‌ك، یا ده‌سته‌واژه و زاراوه‌یه‌ك له
په‌نایدا بنوسین، ده‌توانین بی‌شهرحکردنی وشه‌که ... مانا‌که‌ی بخه‌ینه‌ ناو
که‌وانه‌وه. هه‌روه‌ها ته‌گه‌ر بمانه‌وی مه‌به‌ست له‌رسته، یان به‌شیک له‌رسته،
به‌ وشه‌یه‌ك ده‌ربیرین، یان وشه‌یه‌ك که‌ پیوه‌ندی به‌و رسته‌وه هه‌یه‌ دیاری
بکه‌ین، له «که‌وان» که‌لك و هه‌رده‌گرین. جاروباریش شهرحی زیایی وشه،
وته، یان مه‌به‌ستیک له‌رسته، له‌نیو که‌وانه‌دا ده‌کری:

شوینکه‌وتنی کوپرا‌نه و لاساییکردنه‌وه‌ی ده‌قاوده‌قی شیواز (سه‌بک) ه
هونه‌ریه‌کان، بیجگه‌ له‌گۆشه‌نشینی و دوورکه‌وته‌یی هونه‌ر، ئاکامیکی
نییه. هه‌موو جووره‌ خولقاندن و داهینانیکی هونه‌ری پیوه‌ندیکی لۆزیک
(مه‌تیقی) له‌گه‌ل قه‌واره و پیوه‌ندیگه‌لی کۆمه‌لایه‌تی و هونه‌ره‌کانی پیش
خوی هه‌یه و بناغی له‌سه‌ر پیشه‌کییه‌کی میژووویه‌ که‌ بووه‌ته‌ هووی
به‌دیبهاتنی ته‌و دیارده‌ نوییه.

(هونه‌رمه‌ند هادی زیانه‌دینی - وه‌رگیراوی: وتووێژ له‌گه‌ل گوڤاری ئاویه‌ر)

جووت که وان « »

جووتی که وانی بچووکه و له شوینی جوړاو جوړدا داده نری. کاتی بمانه وی ناویکی تایهت (خاص)، یان وشه یه کی گرینگ له رسته یه کدا دیاری بکه ین، ههروهه کاتیک و ته یه کی راسته و خوئی که سیك دنووسینه وه، و ته که ده خه یه ناو جووت که وانه وه:

میرزا ره حمان که شابووه و وا خافلابوو «پادشای شووتیه کان» ی هه به جاری له بیر چوو بووه.

(چیروکی «پادشای شووتیه کان» - نووسینی: مرحه ممد ره مه زانی)

نیشانه ی شه رحکردن [] یا - -

بوړاڤه ی^(۱) بابه تیک له نیوان رسته دا، یان شیکردنه وه ی فره تری مه به ستیک له م نیشانه که لک وهرده گیری.

نیشانه ی هیلی بچووک^(۲) (-)، بو جیا کردنه وه ی وشه کانی دوا به دوا و ... به کار ده بری.

وابزانم بهر له پرسى «زمان و که سیه تی نووسەر» لای ئیمه کی شه یه ک هه یه که کی شه ی «کو» یه [نهک تاك]، چونکه بهر له بوونی تاك کو مه ل

۱ - راڤه: شهرح.

۲ - هیلی: خهت.

هه یه، له که لتووری ئیمه دا هیشتا «تاک» به و مانایه ی که له رۆژاوادا هه یه، نه که هه ر دروست نه بووه، به لکوو جیگه ی باسکردنیش نییه؛ نه تاک هه یه و نه شتیک به ناوی تاکخوازی *Individulity* یه وه.

(شیرزاد حه سه ن)

کۆمه له خال ...

ئه گهر به هه ر هوپه که، مه به ست له رسته یه کدا به ناته واوی بمینتته وه و رسته که پپچرئ و هه مووی نه نووسرئ، ئه م نیشانه یه به کار ده به یه ن. له ئاخری چه پکه رسته دا^(۱) به جیی سی خال، چوار خال داده نرئ:

چاو هه لدینم. هه موو له شم ژان ده کا. له سه ر زه وی فرئ دراوم. ده ستی خدر له سه ر سه رمه:

- میرزا! چاو هه لینه! منم خدر. تو نابئ بمری. تو به هیزی ... سه رم قورسه. چاو تارمایی ده کا.

(رومانی میرزا - به شی دووه می «هاواره به ره» - نووسینی: فه تاح ئه میری)

راهینان (۱۲):

ئەم چەپكە رسته‌ی ژیره‌وه، بئى نيشانه‌ی «خال دانان» نووسراوه. ئەو

شوينانه‌ی ڤيوسته، نيشانه‌ی ڤودابنڤن:

خه‌يال به‌ربلاوه سەر له هه‌موو كه‌لڤن و قوژبنى ژيانى پر له دهر د و

ژانى رابردووى ده‌داته‌وه. سه‌رده‌مى مندالى هاتوته‌وهبیر داىكى

دلسوزيه‌كانى شه و شه‌ونخوونى كاره‌كه‌رى و قه‌ره‌واشى

مالان سەر له سەر پان و سه‌ردۆزىنى حه‌كايه‌تى شه‌وانه

حەكايه‌تى مووروه ده‌نگيله مه‌ر و بزنه مريشكه‌ قوله و

كوپه‌كه‌چهل و به‌سه‌رهاتى باوكى مه‌رگى كوتوپرى داىكى

- مام كوڤخا له‌گه‌ل تفاق چۆن لڤتان نه‌پراوه

كوڤخا لاوڤچى ميۆژ و گوڤزى له مست كرد كوتى

- هاتوته‌ كوتايى حه‌مه‌گيان تۆ ده‌زانى له كه‌يه‌كه‌وه زستانه تا

كه‌ى به‌ش بكا براله

(رومانى «هه‌زار شه‌شكه‌وت» نووسينى: عومەر مه‌ولرودى)

راهینان (۱۳):

لەم دەقەیی ژێرەویدا هەندی نیشانه بە هەلە دانراون. راستیان
بکەنەو:

هێرۆبانگی کرد! شیرکو؟ زووکه وەرە مالهوه» دایکم بانگت دەکا،
شیرکو لهپیش ئەوهی بچیتە ژووور. خۆی تەکاند و دەستی شۆرد؟ ئینجا
رۆشته مالهوه؛

دایکی دەستی کرد بە ژماردنی برینهکانی دەست و قاچی!!
ئەمە بوو بە کایە . . . سەیری کە ئەوه یەك و دوو و سێ و؛ هەموو
رۆژی خۆت لەتو، پەت دەکەیی و بە جل و بەرگی شەرەوه دیتتەوه.

پاشکو (۲)

وہ لامی راہینان

وه لامي راهيناني (۱):

ئاوات، ئازاس، ئاۋ، ئايا، ئامانچ، ئەنجام، ئەشك، ئەساس، ئامان،
ئيمان، ئيروان، ئاش، ئاسان.

وه لامي راهيناني (۲):

كوپ (پسر)، گر (شعله، آتش)، شهر (جنگ)، برين (بريدن)، كه پ
(ناشنا)، ئاور (به عقب نگرستن).

وه لامي راهيناني (۳):

لار، سال، كلاو، تال، لال گول.

وه لامي راهيناني (۴):

پ (تافگه)

وه لامي راهيناني (۵):

ئەحمەد، سەعید، رەشید، چیمەن، سیامەند، سەحەر

وه لامي راهيناني (۶):

بیهزاد، میهر، شیعر، شیر، شلیر، سیبەر

وه لامي راهيناني (۷):

۱- ت) گول

۲- رهنگي خوین سووره.

۳- ئا) خور

وه لامي راهيناني (۸):

پشته مله

خه لکی، بهرق

قه لاکه م، رووخوا، کوپوه.

خوشه، له، نهك بيخه بهر، بی.

گه وههر، له

هه تيو

بوو، لیوئال

ده سووتیم، ئاور، له بهر

وه لامي راهيناني (۹):

شه وانشه و - ریبه ندان - بالابهرز - شهنگه بی - ناسکه ههر می

وه لامي راهيناني (۱۱):

سه لاهه ددین، سه یقوللا، رحمه توللا، عه بیاس، نه ججار، به ننا

وهلامی راهینانی (۱۲):

خه یال بهربلاوه! سهر له هه موو که لێن و قوژبنی ژبانی پەرله دهرد و
ژانی رابردووی ده داته وه. سهردهمی مندالی هاتوته وه بیر: دایکی،
دلسوزیه کانی، شهو و شهونخوونی، کاره کهری و قهره واشی مالان، سهر
له سهرپان و سهردوژینی، حه کایه تی شهوانه، حه کایه تی مووروه دهنگیله،
مهپر و بزنه، مریشکه قوله و کورپه که چهل و... به سه رهاتی باوکی، مه رگی
کو تو پری دایکی...

- مام کو یخا! له گهل تفاق چوئن؟ لیتان نه براوه؟

کو یخا لاویچی میوژ و گوژی له مست کرد، کوتی:

- هاتوته کوتایی حه مه گیان! توده زانی له که یه که وه زستانه؟! تاکه ی

بهش بکا براله!؟

وهلامی راهینانی (۱۳):

هیروبانگی کرد: شیرکو! زوو که وه ره ماله وه! دایکم بانگت ده کا.

شیرکوله پیش ته وه ی بچینه ژوور، خوئی ته کاند و دهستی شوورد. ئینجا
روشته ماله وه.

دایکی دهستی کرد به ژماردنی برینه کانی دهست و قاچی.

- ته مه بوو به کایه؟! سهیری که ته وه یه ک و دوو و سی و... هه موو

روژی خوئ لهت و پهت ده که ی و به جل و بهرگی شپه وه دیتته وه.

فہرہہ نگوڪ

ٺوٺال: ڏين	ٺاڻو تن: گویش، سخن گفتن
ٺوغر: سفر	ٺامرازی بانگيشتن: حرف ندا
ٺه و: آب	ٺامرازی پيوه ندي: حرف عطف
ٺيپه: بند چرمي گردن گاوِ شخم	ٺامرازی سه رسو وerman: نشانه‌ی
ٺيتريس: متضاد مليح، بي نمک	تعجب
ٺيقار: عصر	ٺاميرو: دستگاه
ٺيژنگ: هيڙم	ٺاوآزه: واڪ
ٺرگه: هجا	ٺاوآله: باز، گسترده (در
ٺزاف: جنبش	آوانگاری)
ٺسڪ: زلف	ٺاوہ لڪردار: قيد
ٺزوئين: واڪه vowel	ٺاوہ لئاو: صفت
ٺزوئيني دريڙو: واڪه‌ی کشيده	ٺاوہ لئاوي کارا: صفت فاعلي
ٺزوئيني ڪورت: واڪه‌ی ڪوتاه	ٺووشن: می گویند
ٺه راورد: مقايسه	ٺووك: گلو
ٺه ركار: مفعول	ٺووفه: نوعی بیماری چهارپا،
ٺيڙو: ادات (پارتيڪل)	شبيهه به سرماخوردگی
ٺيڙه: تلفظ	ٺوچ: قلم نی

باشگر: پسوند	دَپَر: سطر
پووک: لئه	رسته: جمله
پیت: حرف	روالته: ظاهر
پیشگر: پیشوند	رهوت: روند
تاقکه: آبشار	رِیکه وه‌ند: ترکیب
ته‌وژم: فشار	زاری: کامی
تیربوو: اشباع شده	زانست: دانش
چاک: مرقد	زانستی: علمی
چاوگ: مصدر	زۆزان: کوهستان، سردسیر
چمک: مفهوم	زه‌لکه: مُرداب
چه پکه رسته: پاراگراف	سه‌ربه خو: مستقل
چیشم که‌رد: چه کردم، گناهم چه بود	سه‌ره کی: اساسی
چه‌نجه‌ره‌یی: چاکنایی	شانازی: افتخار
خال دانان: نقطه گذاری	شهف: شب
خشه‌دار: سایشی	ژماره: عدد
خیز: ماسه	ژه‌نگن: زنگ‌زده
دارپژراو: مشتق	فریز: عبارت
دئقی: می‌خواهی	فۆنۆلوژی: آواشناسی
ده‌نگ: صدا	قه‌واره: ساخت
ده‌یده: می‌دهد	کاره‌سات: فاجعه، رویداد ناهنجار
	کردار: فعل

نه رمه مه لاشوو: نرمکام	کوته: کُننده
نه ناسراو: مجهول	که رت: جزء، بخش
نهیني: راز، نهان	که لتوور: فهره ننگ
نیگار: شکل	که مایه سی: کاستی، ضعف
نیوه تاك: نیمه باز	گیر: همخوان consonant
ورده وشه: حرف اضافه	له ره دار: لرزان
ویژ: واج phoneme	لیره وار: جنگل
ویژگه: واجگاه (مخرج)	لیکدراو: مرکب
هو: عامل	لیوددانی: لب دندانی
هه ساره: ستاره	مه لاشوو: سختکام
هه نیه: پیشانی	ناو: اسم
هیئل: خط	ناوه روک: مضمون
یاسا: قانون، قاعده	ناوی تاییه ت: اسم خاص

سه‌رچاوه

- ۱- دکتۆر عه‌بدۆره‌حماني حاجي مارف؛ وشه‌رۆنان له‌زمانی کوردیدا؛ به‌غدا؛ کۆری زانیاری کورد، ۱۹۷۷.
- ۲- د. عه‌بدۆره‌حماني حاجي مارف؛ زمانی کوردی له‌به‌ر رۆشنایی فۆنه‌تیکدا؛ به‌غدا؛ کۆری زانیاری کورد؛ ۱۹۷۶.
- ۳- د. عه‌بدۆره‌حماني حاجي مارف؛ نووسینی کوردی به‌ئەلفوییی عه‌ره‌بی؛ به‌غدا؛ له‌چاپکراوه‌کانی ئەمینداریتی گشتی رۆشنییری و لاوانی ناوچه‌ی کوردستان، ۱۹۸۶.
- ۴- د. عه‌بدۆره‌حماني حاجي مارف؛ ریزمانی کوردی؛ به‌رگی یه‌که‌م، به‌شی یه‌که‌م، مۆرفۆلۆژی، (ناو)؛ به‌غدا؛ کۆری زانیاری کورد؛ ۱۹۹۲.
- ۵- مه‌سه‌وود موحه‌مه‌د، زاراوه‌سازی؛ به‌غدا؛ ئەمینداری گشتی رۆشنییری و لاوانی ناوچه‌ی کوردستان؛ ۱۹۸۸.
- ۶- مه‌سه‌وود موحه‌مه‌د؛ فۆنیتیک چیمان بو‌بکا؟؛ گوڤاری کۆری زانیاری کورد، به‌رگی ۳، به‌شی یه‌که‌م؛ به‌غدا؛ ۱۹۷۴.
- ۷- گوڤاری کۆری زانیاری کورد؛ ژماره ۲ به‌شی دووهم. ۱۹۷۴.
- ۸- گوڤاری کۆری زانیاری کورد؛ ژماره ۴؛ ۱۹۷۶.
- ۹- گوڤاری کۆری زانیاری کورد؛ ژماره ۵؛ ۱۹۷۷.

- ۱۰- گوڤاری کوڤری زانیاری کورد؛ ژماره ۶؛ ۱۹۷۸.
- ۱۱- گوڤاری کوڤری زانیاری کورد؛ ژماره ۷؛ ۱۹۸۰.
- ۱۲- گوڤاری کوڤری زانیاری کورد؛ ژماره ۹؛ ۱۹۸۲.
- ۱۳- ئەحمەد حەسەن ئەحمەد؛ ریزمانی کوردی؛ بەغدا؛ چاپخانەی دارالجاحظ؛ ۱۹۷۶.
- ۱۴- تاهیر سادق؛ رینووسی کوردی: کەرکوک؛ ۱۹۶۹.
- ۱۵- د. جەمال نەبەز؛ زمانی یە کگرتووی کوردی؛ بلاوکراووی یە کیتی نەتووی خۆیندکارانی کورد لە ئەوروپا؛ ئالمان؛ ۱۹۷۶.
- ۱۶- حەسەن سەلاح سوڤان؛ زمان و ئەدەب؛ تاران، جەهان‌نما؛ ۱۳۶۷.
- ۱۷- محمد مرتضایی؛ زبان کُردی و لهجه‌های مختلف آن، مهرگان تبریز؛ ۱۳۵۷.
- ۱۸- پەرویز جیەانی؛ فیربوونا رینقیسا کوردی بدو شیوہیان؛ ناوہندی بلاوکردنەووی سەلاحەدین ئەیبوی؛ چاپی یە کەم؛ ۱۳۷۰.
- ۱۹- محمد تقی بہار (ملک‌الشعرا)، سبک‌شناسی، یا تاریخ تطور نثر فارسی؛ جلد اول؛ چاپ پنجم، امیرکبیر. ۱۳۶۹.
- ۲۰- دکتر یدالله ثمره؛ آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجاها)؛ مرکز نشر دانشگاهی؛ چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- ۲۱- علی محمد حق‌شناس؛ آواشناسی (فونتیکی)؛ انتشارات آگاہ؛ چاپ دوم. ۱۳۶۹.
- ۲۲- د. تقی ابراهیم‌پور، سید جلال‌الدین نظامی کورانه، عبدالرحمن شاهرخی؛ دستور زبان کُردی، شمالی - اورامی؛ بی‌جا؛ ۱۳۷۰.

۲۳- احمد قاضی؛ دستور زبان کُردی؛ ناوهندی بلاوکردنه وهی
سه لاهه دین ته ییویی؛ ۱۳۶۷.

۲۴- د. مصطفی خرم دل؛ صرف دستور زبان کُردی سورانی؛ مطبوعاتی
امیرکبیر (سنندج)؛ بی تا.

۲۵- د. افضل و ثوقی؛ ۱۳۶۴؛ ساختمان فعل در زبان کُردی - لهجه ی
سقر؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد،
شماره چهارم، سال هیجدهم.

۲۶- خویندنی کوردی - کتییی به که م؛ کومیسونی تایه تی نووسینی کتییی
دهرسی - ناوهندی بلاوکردنه وهی سه لاهه دینی ته ییویی؛ چاپی به که م؛
۱۳۶۷.

۲۷- د. ابوالحسن نجفی؛ مبانی زبانشناسی و کاربرد آن در زبان فارسی؛
نیلوفر - تهران؛ ۱۳۷۴.

۲۸- ئوسکار مان؛ تحفه مظفریه؛ هیئانه سهر رینووسی کوردی؛ ماموستا
هیمن؛ به غدا؛ ۱۹۷۸.

۲۹- اکرام صالحی (ئه کره م)؛ مقدمه ای بر عروض فنی در زبان کُردی؛
جلد اول؛ ۱۳۷۶؛ ساحل.

30- Kurdish dialect studies_], by: D.N.Mackenzie, london,
oxford university press, newyork toronto, 1961. part 1,
Phonology, p. 1-50.

۳۱- جگه له و سهرچاوانه ی سهره وه؛ بو هیئانه وهی نمونه کان، به ره می
ئه م هونه رمه ند و شاعیر و نووسه رانه کراونه ته سهرچاوه:

نالی، مه‌لای جزیری، خانی، قانع، حاجی قادری کوئی، وه‌فایی،
 هه‌ژار، هیمن، گوران، شیرکو بی‌کەس، عه‌بدو‌للا په‌شیو، له‌تیف
 هه‌لمه‌ت، موحه‌مه‌د حه‌مه‌باقی، ئەحمەد قازی، فه‌تاح ئەمیری،
 ئەحمەد به‌حری، عه‌تا نه‌هایی، موحه‌مه‌د ره‌مه‌زانی، مارف ئاغایی،
 ناسر وه‌خیدی، ئەجیبه ئەحمەد، عومەر مه‌ولوودی، سه‌عید نه‌جاری،
 فه‌ره‌اد شا‌که‌لی، فه‌ره‌یدوون ئەرشه‌دی ...

هه‌روه‌ها سترانی: سه‌بید عه‌لی ئەسغه‌ری کوردستانی، ماملی، حه‌سه‌ن
 زیره‌ک. هۆره‌ی مام ستار شه‌مسی، هۆره‌ی عارف دیوانده‌ره‌یی،
 مه‌نزوو مه‌ی وه‌نه‌وش و به‌ره‌زای کاک مه‌حموود باواغا، به‌یت و
 حه‌یران و ... (وه‌ک به‌یتی دمدم، سه‌یده‌وان، لاس و خه‌زال، خه‌زیم).